

سیاست خارجی ایران به راه درست گام گذاشته است

نشیبی در راه اصلاحات ارضی

● **تاخیر در اجرای بند (ج) باعث تاسف و تشره فشار بزرگ مالکان و لیبرال هاست.**

● **قدرت سر نوشت ساز دهقانان و نیروهای انقلابی در خط امام میتواند این فشار ضد انقلابی را درهم شکند.**

مسئله بسیار حاد و اساسی زمین - یکی از مسائل مبرم و حیاتی انقلاب ملحدت ویژه‌ای یافته است. ۲۲ ماه بعد از پیروزی انقلاب، در کشوری که یکی از بزرگترین انقلابات مستضعفین علیه مستکبرین را انجام داده هنوز مسئله زمین، که مربوط به اکثریت مطلق مستضعفین، یعنی دهقانان زحمتکش است، حل نشده است. «نوزده» سرطانی بزرگ مالکی، این عصاره فاسد و غارتگر استکبار، ریشه کن نشده است. میلیونها کرخ نشین روستاها، که انقلاب، از جمله، نمره مشارکت و فداکاری آنها بود، هنوز بر فئودالهای کاخ نشین، آن پیروزی تاریخی و دوران ساز راه، که عبارتست از رسیدن حق به حق دار و زمین به دهقان، بدست نیآورده‌اند. آری نیاز جامعه، حکم انقلاب ماه خواست توده محروم دهقانان ما هنوز برآورده نشده است.

هنوز ولی نه برای همیشه، نه برای مدت زیادی، دیر شده است، ولی منتفی نشده است. آقای محمدعلی رجائی نخست وزیر، در سمینار اخیر واگذاری زمین بدرستی گفت: «مسئله زمین تنها مسئله انقلاب ما نیست بلکه یکی از مسائل آنست». اگر قبول کنیم که اگرچه تنها مسئله نیست، ولی از اهم مسائل و یکی از مسائل گریه انقلاب است، آنوقت میتوانیم باین نتیجه برسیم که، انقلاب ما هرگز این مسئله خود را حل نشده باقی نخواهد گذاشت.

انقلاب بزرگ فدائریالیستی و مردمی و ضد استکباری ما، اگر مسئله زمین را بسوددهقان بی زمین و کم زمین حل نکند و بزرگ مالکی را از ریشه برکنند، بدون تردید مسخ خواهد شد، به قیقا خواهد رفت، از اهداف اصلی خود دور خواهد افتاد و ماهیت خود را از دست خواهد داد. و ما مطمئن هستیم که به نیروی عظیم توده های بیدار و آگاه مردم و خود دهقانان حق طلب، به درایت و رهبری روشن بینانه و قاطع امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و به همت همه انقلابیون روشن بین و مبارز - از روحانیت مبارز و فقهائی که معرف اسلام راستین اند گرفته تا نیروهای سیاسی انقلابی و از جمله مسئولان متعهد و دورنگر و نهادهای انقلابی طرفدار حق و مردم - انقلاب ما خواهد توانست این مسئله را حل کند و بر مشکلاتی که اکنون بوجود آمده، غلبه کند و راه خود را بسوی تعمیق و پیشرفت باز کند. بدنبال فشارهای فراوان بزرگ مالکان و روحانی نمایان همکاسه آنان و لیبرالهای مدافع آنها در واقع هم اکنون مشکلاتی بر سر راه حل این مسئله بوجود آمده است. مشکلات را آنها در مرحله اجرائی اش در مقابل هیئت های هفت نفری بوجود آوردند و متأسفانه توانستند کار را بجائی بکشاند که اولاً امر واگذاری زمین بقدری به تاخیر بیفتد که به کشت پاییزه بخورد و مانع فنی و اداری برایش بتراشند، و ثانیاً از شرایط حساس و استثنائی جنگ سوءاستفاده کنند و با ایجاد درگیریها و تشنج هایی در دهات، در حالیکه تحکیم جنبه و پشت جنبه ضرورت دارد، مانع سیاسی - اجتماعی برایش ایجاد کنند.

کارواگذاری زمین میبایست ماهها و ماهها قبل انجام میگرفت. نشد و اکنون در پاییز و بهنگام کشت جاری و در ماه سوم جنگ تحمیلی صدام آمریکایی علیه ایران، مانع برخورد شده است. آشکارا میتوان دید که تشنات بزرگ مالکان و بلندگویان و

بقیه در صفحه ۸

دهها و صدها سال به طبقات وطن فروش و به منافع بیگانگان غارتگر خدمت کرده و حکومت های گذشته ایران، طبق طینت بلبید خود، همیشه در کنار دیگر جباران و فاسدان جهان قرار داشته‌اند.

انقلاب بزرگ ما این امکان را بوجود آورده است که ما سیاست خارجی مردمی و استقلال طلبانه داشته باشیم و دولت کشور ما نه در کنار نوکران استعمار و امپریالیسم بلکه

مسئولان متعهد) و با تکیه بر نهاد پاک و خلقی اعتماد به - حقانیت خود، افسانه کاذب «انزوی» خیالی راه، که دشمنان انقلاب مدعیش بودند، باطل ساخت و با رشادت و سر بلندی گام دیگری در صحنه جهانی نهاد.

تا تاریخ بیاد دارد، از آنجا که حکومت ایران (باستثنای برهه - های بسیار کوتاه) همیشه در دست دشمنان خلق و نوکران استعمار و امپریالیسم بوده است، سیاست خارجی ایران نیز طی

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، بقول یکی از چراید، واقعا «با دستانی پر» از سفری پر بار بازگشت و مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شنبه گذشته، یازتاب برجسته دیگری از ره آوردهای پرازش این سفر بود.

انقلاب بزرگ ایران و جمهوری اسلامی ایران، بویژه با این سفر رئیس مجلس (و همچنین با مسافرت های اخیر دیگر

نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران در اغلب جبهه های جنگ بر تری کامل خود را برای نیروهای متجاوز حفظ کرده اند

بوسیله موشک های به غنیمت گرفته شده از ارتش عراق به وسیله برادران رزمنده ما نابود شد.

در ادامه عملیات قهرمانانه نیروهای جمهوری اسلامی ایران، طی جمعه شب و پریروز آخرین نیروهای فریب خورده یعنی مستقر در «دب حراد» و اادار به عقب - نشینی شدند. در این عملیات بر اثر توپخانه رزمندگان اسلام سه دستگاه تانک، غلطک و لودر دشمن منهدم و سر نشینان آنها به هلاکت رسیدند. تیرهای جمهوری اسلامی ایران در این بقیه در صفحه ۴

حمیده، توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن را منهدم کرد. ولی هنوز از خسارات های جنگ بر تری کامل خود را بر نیروهای متجاوز حفظ کرده و در بخشی از جبهه ها، دشمن مواضع اشغالی را از دست داده است.

در جنوب

پریروز بر اثر آتش خمپاره برادران سپاه پاسداران مستقر در جبهه سوسنگرد، یک قبضه توپ ضد هوایی دشمن منهدم و ۱۰ تا ۱۵ نفر از لشکر کفر کشته و زخمی شدند. همچنین در محور جاده سوسنگرد -

گزارش های رسیده از جبهه - های جنگ، تا پریش، نشان میدهد که ایران در اغلب جبهه - های جنگ بر تری کامل خود را بر نیروهای متجاوز حفظ کرده و در بخشی از جبهه ها، دشمن مواضع اشغالی را از دست داده است.

در جنوب

پریروز بر اثر آتش خمپاره برادران سپاه پاسداران مستقر در جبهه سوسنگرد، یک قبضه توپ ضد هوایی دشمن منهدم و ۱۰ تا ۱۵ نفر از لشکر کفر کشته و زخمی شدند. همچنین در محور جاده سوسنگرد -

مائوئیسم در خدمت امپریالیسم آمریکا

(پاسخ به مقاله «القاء ایدئولوژی» در روزنامه انقلاب اسلامی)

صفحه ۴

بمناسبت ۳۵مین سالگرد تاسیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان

پیروزی فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان! درود بر زنان و دختران رزمنده ایران!

مجمع بزرگ بین المللی با تشکیل کنفرانس ها، کنفرانس ها و سمینارهایی در پهنه پنج قاره جهان، توانسته است، هم بنیانه یکانه سازمان راستین مدافع حقوق زنان خود را بشناساند و هم کمک های شایان تحسین و ارزنده ای به مبارزات زنان زحمتکش و محروم برساند.

فدراسیون دموکراتیک «بین - المللی زنان»، که در سال ۱۹۴۷، ۱۱۲ سازمان از ۹۷ کشور عضو داشت، اکنون از همه کشورهای جهان، باستثنای یکی دو کشور یگو یا چند سازمان زنان را بقیه در صفحه ۴

در اسانامه فدراسیون دموکراتیک «بین المللی زنان» تاکید شده است که این سازمان «اتحادی است از زنان، صرف نظر از نژاد، ملیت و معتقدات سیاسی و مذهبی، بمنظور مبارزه مشترک در راه دفاع و تحصیل حقوق اعضای خود - مادران و زنان زحمتکش - مراقبت در حیات کودکان، تأمین صلح، دموکراسی و استقلال خلقها».

فدراسیون دموکراتیک «بین - المللی زنان» طی حیات سی و پنجساله خود، در تشکل، مبارزه و پیروزیهای زنان سراسر جهان سهم شایانی داشته است. این

سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۴) که جهان بر فراز ویرانیهای جنگ جهانی دوم، آغاز نو سازی کرده فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان، با گرد همائی جمعی از زنان و مادرانی مترقی، که مصائب جنگ را پشت سر نهاده بودند، در پاریس بنیان نهاده شد، تا با تشکل ساختن سازمانهای زنان در سراسر گیتی، سهم موثر خود را در حفظ صلح، خلع سلاح عمومی و کامل و مبارزه برای حقوق برابر زنان، یاری رساندن به - زنان کشورهای زیر سلطه و پیکار برای استقلال ملی و آزادی ادا کند.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۳
دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۵۹، مطابق با ۲۲ محرم ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

بورژوازی لیبرال موربانة انقلاب

بورژوازی لیبرال از پیروزی انقلاب بر صدام حسین و عواقب آن وحشت دارد

روزنامه میزان در سرمقاله ۸ آذرماه ۵۹ خویش، که نام «موربانة انقلاب» بر خود دارد، مطالب جالبی مطرح ساخته است که طرح و بررسی مختصر آنها، برای شناخت دقیقتر مواضع و نظریات گروهی که اکنون همه آنها را بنام «لیبرال» می شناسند، ضروری است.

میزان در این سرمقاله، که از سر تا پایان وصف پریشان حالی و درماندگی بورژوازی لیبرال ایران است، تا توانسته به حزب توده ایران تاخته و آنرا به پاد بی پروا ترین و ناروا ترین افتراها و دشنامها گرفته است. ما به این دشنامها و افتراها - که تازگی ندارد و مینگر آنهاست دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه ملعون بوده است - پاسخی نمی گوئیم، چون ارزش پاسخ گفتن ندارد، بلکه میکوشیم آن درد اصلی و مقصود اصلی را که میزان میکوشد آنرا در پس پرده دود آبی کمونیس و دشنام و افترا به حزب توده ایران بیوشاند، پارذیکر از زبان خود وی بیرون بکشیم و در مقابل همگان قرار دهیم.

میزان می نویسد: «از نظر سیاسی، حیل های دشمن متأسفانه به مقدار زیادی موثر بوده و می رود که ما را در دام وحشتناکی اسیر ساخته و انقلاب را منهدم سازد. حیل های سیاسی دشمن با پایان جنگ ایران و عراق تشدید خواهد شد، زیرا همیشه رزمندگان اسلام انشاء الله بزودی صدام و تیرهای بعث را عقب نشانند، احتمال حمله مجدد نظامی به ایران بدست کاهش خواهد یافت و برای دشمنان انقلاب تنها راهی که باقی می ماند، حیل های سیاسی خواهد بود و پس. ام از اینکه با حیل ها و توطئه های مذکور، انقلاب را بیکباره براندازند، یعنی انقلاب اسلامی را به سر نوشت سال ۳۲ دچار سازند و یا آنکه با انجام توطئه های سیاسی دولتی را به روی کار آرند که ظاهر و نام جمهوری اسلامی را حفظ کند، ولی انقلاب را از محتوی خالی (نماید)... چنین برنامه ای چندین یارد در بعضی کشورها از جمله مصر و عراق تکرار شده و سپردن سر نوشت انقلاب بدست ضد انقلابیون برای نشان آسان گردیده است!»

چنانکه ملاحظه میشود، میزان انقلاب را در «دام وحشتناکی» اسیر و در شرف «منهدم» شدن می بیند، که بر اثر حیل های «دشمن» تدارک میشود. میزان همچنین معتقد است که پیروزی ایران بر عراق و پایان جنگ «حیل های سیاسی دشمن» را «تشدید» خواهد کرد و بالتبقیه، «انهدام انقلاب» را تسریع خواهد نمود و سر نوشت انقلاب بدست ضد انقلابیون خواهد افتاد و ایران، مصر سادات و عراق صدام خواهد شد!

بقیه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بورژوازی لیبرال ...

بقیه از صفحه ۱

بالعجب! پیروزی ایران بر صدام، «سرنوشت انقلاب» را بدست «ضد انقلابیون» خواهد انداخت! نتیجه طبیعی که میزان میبایست از این اظهارات شمشع بگیرد، آنستکه شکست صدام امر مطلوبی نیست و برای دفاع از «انقلاب» ایران باید از آن جلوگیری کرد!

اگر این سخنان به زبان فارسی و در سرمقاله روزنامه‌های مدعی دُفع از انقلاب، نیامده بود، ممکن بود تصور رود که این اظهارات از آن سادات است، که چند روز پیش از امکان شکست صدام در جنگ اظهار نگرانی کرده و آنرا به زیان «مصالح ایران» دانسته بود! سادات هم چنین از آمریکا تقاضا کرده بود که برای ممانعت از «افتادن ایران به کام شوروی»، در جنگ میان ایران و عراق مستقیماً دخالت کند و مانع شکست عراق گردد!

اگر میزان، برخلاف تمامی نیروهای انقلابی ایران و برخلاف خط امام، مدعیست که پیروزی بر صدام، «خطر انهدام انقلاب ایران» را افزایش خواهد داد و «ضد انقلابیون» را بر سرنوشت انقلاب مسلط خواهد گردانید، بیشک باید انتظار داشت که میزان از «دشمن» نیز، برداشتی بکلی خلاف خط امام و نیروهای انقلابی و استقلال طلب ایرانی داشته باشد.

میزان در واقع امپریالیسم آمریکا، یعنی شیطان بزرگ و دشمن اصلی انقلاب ما را، «دشمن نمی‌شمارد. طبق سرمقاله میزان، امپریالیسم آمریکا نه فقط در کودتای ۲۸ مرداد دخالت نداشته، بلکه اکنون نیز در توطئه‌های عظیم براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران، کوچکترین نقشی ندارد. «دشمن»، «روسیه» و «توده‌های» هستند! میزان بدون آنکه يك کلمه از نقش امپریالیسم آمریکا در توطئه علیه حکومت ملی دکتر مصدق سخن بگوید، «توده‌های» را عامل شکست مصدق می‌نامد.

میزان با تحریف آشکار تاریخ، حتی جاسوسان آشکار آمریکایی را نیز تیره می‌کند و «حزب توده» را در خیانت‌های آنها به مصدق «مصر» می‌نامد:

«حزب توده... همچنین از ضعف بعضی چون مکی و بقائی استفاده نمود تا آنرا بطمع نخست وزیر ری رو در روی مصدق وادارد!»

میزان سپس به دوران کنونی باز می‌گردد و بازم بدون آنکه حتی يك کلمه از امپریالیسم آمریکا سخن بگوید و توطئه‌های پی در پی و خطرناک آنرا برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، بیان کند، «روسیه» و «حزب توده» را «دشمن» می‌نامد.

میزان علاوه بر این، مسلمانان انقلابی و روحانیت مبارز را نیز مؤرد حمله و افترا و شائبه قرار میدهد که گویا هر چه «منافقین متعدد روسی»

می‌گویند، ایاتن (مسلمانان) نیز «طوطی‌واره» تکرار میکنند! بدینسان در قاموس میزان همه مفاهیم قلب میشوند و به ضد خود بدل می‌گردند: دشمن واقعی، «دوست» و انمود میشود و دوست و پشتیبان، «دشمن» توطئه گر» اعلام می‌گردد، منافع غیرتکرانه بورژوازی لیبرال، «انقلاب» نامیده میشود و روحانیت مبارز و توده‌های انقلابی مسلمان که میکوشند شر این قشر طفیلی را از سر مردم کوتاه کنند، ولی بقرمان امام خمینی شکستن سکوت خود را به پیروزی بر صدام محول کرده‌اند، «ضد انقلابیون» اطلاق می‌گردند. بهمین دلیل هم بورژوازی لیبرال تا به این حد از پیروزی بر صدام واهمه دارد و اعلام می‌کند که در آنصورت «توطئه‌ها تشدید خواهند شد» و «انقلاب»، «منهدم» خواهد گردید!

تجربه تمام انقلاب‌های رهائی بخش نشان داده است که همراه با تعمیق انقلاب و نزدیکی «انهدام» مواضع سیاسی و اقتصادی بورژوازی لیبرال، این بورژوازی بیش از پیش بر تبلیغات ضد کمونیستی خود خواهد افزود، در همه جا کاپوس «کمونیسم» خواهد دید، تمام میهن‌دوستان آزادیخواهان و انقلابیون را «کمونیست» خواهد خواند و کمونیستها را «عامل توطئه» خواهد نامید. تمام کشورهای مسلمان و انقلابی چون لیبی و سوریه و الجزایر، که با تمام قوا در مقابل شیطان بزرگ آمریکا ایستاده‌اند و سنگ بر سنگ منافع بورژوازی لیبرال باقی نگذارده‌اند، همگی زمانی از جنب

این بورژوازی و همچنین امپریالیسم، «عامل کمونیستها» خوانده شده بودند و اکنون نیز رهبران مسلمان این کشورها از جانب طرفداران سازش با امپریالیسم آمریکا، با این برچسب نجس، مواجه هستند. اما تجربه همان انقلاب‌های پیروزمند و از جمله انقلاب ما همچنین نشان داده است که بورژوازی لیبرال از این شکر تبلیغاتی خویش طرفی نبسته است. اکنون دیگر همگان به نیت و مقصد و اغراض واقعی این بورژوازی سازشکار و تسلیم طلب پی برده‌اند و در مقابل شکوه‌ها و گسایه‌ها و هشدارهای او درباره «خطر کمونیسم»، از اومی پرسند:

آقایان! نظر شما راجع به امپریالیسم آمریکا چیست؟ آیا آنرا دشمن میدانید یا خیر؟ نظر شما راجع به فتودالها و سرمایه‌داران وابسته و غارتگر بازار چیست؟ آیا مصدق اموال آنها را بسود زحمتکشان جایز می‌دانید یا خیر؟ و بالاخره نظر شما راجع به ضد انقلابیون و وابستگان به امپریالیسم آمریکا چیست؟ آیا آنها را مهدورالدم می‌دانید یا خیر؟

و بورژوازی لیبرال و نمایندگانش در قبایل این سئوالات، پاسخی جز گریز از بیان نیت واقعی خویش ندارند، گویا نکته تلویحا به تمام سئوالات فوق پاسخ منفی داده‌اند.

آری آقایان! «موریانه انقلاب» در واقع خود شما هستید.

سیاست خارجی ...

بقیه از صفحه ۱

در کنار دشمنان استعمار و امپریالیسم، در کنار نیروهای خادم استقلال و آزادی قرار گیرد. باین مناسبت بر مردم ایران است که بار دیگر بمقام تاریخی انقلاب بزرگ ایران پی - و جمهوری اسلامی ایران پی - بپردازند و برای دفاع از يك چنین انقلاب و نظامی، که کشور ما را در مسیر استقلال و آزادی و سربلندی قرار داده است، با تمام هوشیاری و آگاهی و فدای کاری زیر رهبری امام خمینی، رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و از این راه روشن و سعادت آفرین با جان و دل دفاع کنند، و آنانکه میگویند «این انقلاب هیچ چیز به ایران نداده» و باین «دلیل» به «حکومت آخوندها» حمله می‌کنند، بگذار چشم باز کنند و اگر یاری دیدن حقیقت را دارند، این تحول کیفی در سیاست خارجی میهن خود را مشاهده کنند.

سیاست خارجی کشور ما پس از انقلاب، بی دردس و اردچین مرحله روشن و درستی نشد. دولت «گام به گام» لیبرالها، گرچه تحت فشار مردم و نیروهای انقلابی و رهبر انقلاب، نتوانست بند و زنجیرهای اسارت امپریالیستی را باهمان کم و کیف سابق حفظ کند و الزاماً مجبور با اقدامات معینی شد، ولی باتمام نیرو و توانائی خود مانع از آن شد که ایران انقلابی دوستان واقعی خود را در صحنه جهانی بدرستی تشخیص دهد و در کنار دوستان خود قرار بگیرد. این عمل لیبرالها، یعنی ممانعت از نزدیکی ایران انقلابی به دوستان واقعی، در واقع بمنظور ایجاد زمینه و دستاویز و بهانه و «دلیل» برای بازگشت به اسارت امپریالیسم و همپالگی شدن با نوکران منطقه‌ای امپریالیسم بود. لیبرالها که میدانستند مردم ایران، که با آن انقلاب طوفانی خود، امپریالیسم آمریکا و نوکرش را از ایران رانده‌اند، بازگشت به اسارت امپریالیسم را نخواهند پذیرفت، و خود نیز آسوی دیگری راه میان ایران انقلابی و دوستان

خوبی میدانستند که چنین نیست و این محال است که يك انقلاب بزرگ مانند انقلاب ایران در جهان تنها بماند.

امام خمینی این واقعیت را چنین بیان کردند: «مع الاسف گمان می‌کنند بعضیها که ما منزوی شده‌ایم به واسطه مخالفت با آمریکا. خیر آمریکا منزوی شد... ما منزوی نیستیم»

و نامه «مردم» نوشت: «این واقعیتی است که کشور انقلابی از بندرسته‌ها نه تنها منزوی نشده و منزوی نیست، بلکه با خیرش انقلابی خود از دوران بردگی، اسارت، حقارت و سرخوردگی، یعنی انزوای تاریخی واقعی، به دوران آزادی و استقلال و سر بلندی گام نهاده و در صف کشورهای و خلقهای مستقل و آزاد، قرار گرفته است... و اگر مزاحمت کسانی که جز دنیای «شیطان زرد» بوجود دنیای دیگری قائل نیستند، رفع شود و اگر کشور ما از زیر بار سنگین «وابسته به ابر قدرت شرق» طرد نمودند، سازمان آزادیبخش فلسطین را زیر علامت سؤال گذاشتند.

به بهانه «جستجوی» امام موسی صدر (که باید جستجو کرد و واقعیت را روشن ساخت) لیبی را مورد تاخت و تاز قرار دادند. سوریه و الجزایر را به عنوان «وابسته به ابر قدرت شرق» طرد نمودند. سازمان آزادیبخش فلسطین را زیر علامت سؤال گذاشتند. رژیم ضیاع الحق را «غیر وابسته» نامیدند. یمن دمکراتیک را اصلاً برسمیت نشناختند. روزی «آمدن» ۵ هزار تاجیک شوروی، بایران جاسوسی شوروی به آسمان رشت را «کشف» کردند. آسمانه «تبریز» مکزیکو، «ارسال اسلحه شوروی» به عراق، تمرکز نیروهای خلیج عقبه و اینکه شورویها (وقتی این تکرفت، این بار آلمان دمکراتیک!) برای صدام جانی علیه ایران اسلحه میفرستد، و دها و صدها فاکت دیگری، که همه مردم آگاه ایران از آنها خبر دارند - سنگبائی بود که بدست عمال امپریالیسم، ضد انقلاب و لیبرالها (و به تحریک آنها، بدست محافظ ناآگاه) بر سر راه سیاست خارجی ایران انداخته شد.

ولی همه کسانی که با چشم باز و خرد انسانی به جهان و تاریخ بشری می‌نگریستند، به خوبی میدانستند که چنین نیست و این محال است که يك انقلاب بزرگ مانند انقلاب ایران در جهان تنها بماند. امام خمینی این واقعیت را چنین بیان کردند: «مع الاسف گمان می‌کنند بعضیها که ما منزوی شده‌ایم به واسطه مخالفت با آمریکا. خیر آمریکا منزوی شد... ما منزوی نیستیم» و نامه «مردم» نوشت: «این واقعیتی است که کشور انقلابی از بندرسته‌ها نه تنها منزوی نشده و منزوی نیست، بلکه با خیرش انقلابی خود از دوران بردگی، اسارت، حقارت و سرخوردگی، یعنی انزوای تاریخی واقعی، به دوران آزادی و استقلال و سر بلندی گام نهاده و در صف کشورهای و خلقهای مستقل و آزاد، قرار گرفته است... و اگر مزاحمت کسانی که جز دنیای «شیطان زرد» بوجود دنیای دیگری قائل نیستند، رفع شود و اگر کشور ما از زیر بار سنگین «وابسته به ابر قدرت شرق» طرد نمودند، سازمان آزادیبخش فلسطین را زیر علامت سؤال گذاشتند. رژیم ضیاع الحق را «غیر وابسته» نامیدند. یمن دمکراتیک را اصلاً برسمیت نشناختند. روزی «آمدن» ۵ هزار تاجیک شوروی، بایران جاسوسی شوروی به آسمان رشت را «کشف» کردند. آسمانه «تبریز» مکزیکو، «ارسال اسلحه شوروی» به عراق، تمرکز نیروهای خلیج عقبه و اینکه شورویها (وقتی این تکرفت، این بار آلمان دمکراتیک!) برای صدام جانی علیه ایران اسلحه میفرستد، و دها و صدها فاکت دیگری، که همه مردم آگاه ایران از آنها خبر دارند - سنگبائی بود که بدست عمال امپریالیسم، ضد انقلاب و لیبرالها (و به تحریک آنها، بدست محافظ ناآگاه) بر سر راه سیاست خارجی ایران انداخته شد.

پیروزی بزرگ فدراسیون

بقیه از صفحه ۱

در خود متشکل ساخته است. فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان با تشکیل کنفرانس های خود، که با شرکت اعضاء و حضور دیگر سازمان‌های بین المللی و ملی زنان، که عضو فدراسیون نیستند، تشکیل میشود، توانسته است، مسائل حاد مربوط به کار و زندگی زنان و مسائل مربوط به استقلال ملی و آزادی، را، در سطح جهانی مورد مذاقه قرار دهد و پارسیدن به نتیجه. گیریهای درخشان و صدور رهنمودهای مفید، زنان سراسر جهان را به مبارزه در راه حل این مضلات فراخواند و بسیج کند.

کنگره‌های فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان در شهرهای پاریس (سال ۱۹۴۵)، بوداپست (سال ۱۹۴۸)، کپنهاگ (سال ۱۹۵۳)، وین (سال ۱۹۵۸)، مسکو (سال ۱۹۶۲)، هلسینکی (سال ۱۹۶۹) و برلن (سال ۱۹۷۵) تشکیل شده است. علاوه بر این کنگره‌های پربار، که هر يك از آنان گام بلندی در پیشبرد مبارزه زنان بخاطر تامین صلح و حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان بوده است، فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان با تشکیل دیدارهای بین المللی به اتفاق دیگر سازمانهای جهانی زنان، در امر تعمیق و گسترش مبارزات زنان سراسر

آمریکا بدون بهانه «گروگانها» هم - و حتی بدون هیچ بهانه‌ای هم - خیال تحمل جمهوری اسلامی ایران را نداشته و ندارد و نخواهد داشت. آنچه صدام جانی را جرئت و جسارت داد که بفرمان آمریکا به ایران تجاوز کند، این نبود، بلکه یکی این بود که او «خط برزیسکی» را در راندن دوستان ایران و منفرد و منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران، یعنی سیاست خارجی لیبرالی را موفق و پیروزانگاشته بود و دوم این بود که مردم ایران را در این «انزوای» خیالی، زبون و ناتوان و مایوس پنداشته بود. با همین خیالات واهی و به

یمن جنوبی هم در این قصد با ما همکاری میکنند... شوروی به فرستاده عراق که به آنجا رفته و اسلحه میخواست گفت: ما این جنگ شما را بفرع امپریالیسم میدانیم و جریانی که در ایران حاکم است، جریان ضد امپریالیستی است و ما نمی‌توانیم به جنگی که علیه این جریان کار می‌کند، کمک کنیم... اینرا رهبران کشورهای لیبی و سوریه بنا گفتند که شوروی به آنها اطلاع داده که این جواب را به فرستاده مخصوص صدام داده...»

رئیس مجلس، در مصاحبه خود بر این واقعیات بسیار مهم تأکید کرد که: «رویم رفته این نظر هست که اصلاً آمریکا دارد در ایران می‌جنگد و اسلحه را به شمالی و فرانسه به عراق میفرشند و بندر عقبه را هم اردن با پول عراق و طبق نقشه آمریکا توسعه داده هم اکنون مشغول پذیرفتن کشتیهای آنهاست و خرج جنگ عراق را هم کشورهای ارتجاعی نفتخیز منطقه تقبل کرده‌اند، که دوست آمریکا هستند.»

مسئولان و طراحان سابق سیاست خارجی ما هم این واقعیت‌ها را درست صد و هشتاد درجه تحریف و قلب نموده و سفید را سیاه و سیاه را سفید بمرم ایران معرفی کرده بودند. در نظر جهان خارج هم کشور ما را چنین معرفی کرده بودند که، بقول رئیس مجلس، گویا «ما يك پوسته‌ای برای خودمان ساخته‌ایم و نمی‌خواهیم از آن دریاییم.»

بوضع دستگاه سیاست خارجی سابق ما نگاه کنید که در کشور دوستان مسلمان ما اصولاً سفارتخانه‌ای برقرار نکرده‌اند. به قول رئیس مجلس: «در الجزایر يك کاردار داریم و در لیبی يك کاردار داریم که یکی دو هفته است شروع بکار کرده و در سوریه سفارت داریم، اما بی پر و بال و ...»

در تاریخ ۱۹ آبان ۵۹، روزنامه انقلاب اسلامی سرطاقهای منتشر کرد تحت عنوان «القاء ایدئولوژی»... این سرطاقه سر تا پا افترا و نیت و نوهن به حزب توده ایران بود...

به این امید که مقامات مسئول خود اقدام لازم را برای جلوگیری از ادامه افترا و نیت و نوهن به حزب توده ایران به عمل آورند... مناسفانه حسن کاری صورت نگرفت...

این پاسخ در روزنامه انقلاب اسلامی درج نشده است... از آنجا که سکوت حزب مادر برابر افتراها و تهمت هاوتوهین های وارده در مقاله «القاء ایدئولوژی» ممکن است سوء تعبیر شود...

مائوئیسم در خدمت امپریالیسم آمریکا

وقتی مائوئیسم در عرصه جهانی در تفاهم و هماهنگی تنگاتنگ با امپریالیسم حرکت می کند، آیا طبیعی نیست که در مسأله انقلاب ایران نیز این همراهی و اشتراک هدف به اشکال گونهگون و به طور مرئی و نامرئی اعمال شود؟

مائوئیسم در صحنه تاریخ معاصر نشان داده است که در پی تشرید مقصود، از هیچ شیوه و شگردی رویگردان نیست، به هر لباسی در می آید، دورویی و تزویر را مثل سکه رایجی در بازار دیپلماسی جهانی با سخاوتمندی نظیری خرج می کند، آنچه را که در گفتار مدعی آنست، با خونسردی بی پروایی، در کردار سلاخی می کند... اگر لازم ببیند، حتی در پای شیطان قربانی می کند...

پاسخ به مقاله «القاء ایدئولوژی» در روزنامه انقلاب اسلامی

انجام می گیرد... در این «شاه بیت» نظریه نویسنده، که با حروف درشت در صدر مقاله برجسته شده است، مکتوبات ایشان به وضوح به نمایش گذاشته شده است...

شبهه رایج در انقلاب «برجسب زنی، ریاکاری، مع گیری و افتنا گری است» و همه این شبهه ها زیر سر حزب توده ایران است... خود او در دست به قول نویسنده مقاله - کا.گ.ب. است... نتيجه: انقلاب ایران توی مشت کا.گ.ب. است و این کا.گ.ب. است که رهبری و اداره واقعی انقلاب اسلامی ایران را قبضه کرده، نه امام خمینی و مسلمانان انقلابی پیرو خط او!

درست یک هفته پیش از چاپ این مقاله، رادیوی آمریکا در گفتار خود به زبان فارسی - آن هم تصادفاً برای دومین بار و به طور تکراری - تفسیری در باره سازمان های سیاسی ایران داشت که شایه های حیرت انگیزی بین آن و برخی از خطوط اصلی مقاله «القاء ایدئولوژی» به چشم می خورد... حزب توده در جو سیاسی ایران بیش از هر گروه سیاسی دیگر تاثیر گذاشته است... و این تلقین ظریف که: «حزب توده طرفدار شوری است»...

۱- انقلاب ایران، انقلابی هدفمند و خلقی و خود جوش نیست، جریان است تصنی و القاء شده... ۲- محتوای انقلاب از خارج صادر شده و به این ترتیب نهادهای برآمده از انقلاب، که بازتاب مایهت آنند، نظیر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سپاه پاسداران، دادگاه های انقلاب و غیره حاصل نیستند... ۳- رهبری انقلاب، که در باره اصلت و رسالت انقلاب سخن ها گفته و رهنمودها و بطرات ها داده و از جهاد خونین و طولانی یک نسل انقلابی و خون ۷۰ هزار شهید، برکت طلبیده است، حقیقت را پوشانده و همچنان می پوشاند...

آیا بهتر از این می توان به جنگ یک انقلاب رفت و به ریشه های آن هجوم برد؟ نویسنده مقاله مکرر «القاء ایدئولوژی» با یک تیر چند هدف را نشانده گرفته است: ۱- بی اعتبار کردن اصل ترین و رادیکال ترین نیروهای انقلاب و تنزل دادن آنها تا حد یک ابزار بی اراده در دست دیگران... ۲- خدشه دار کردن صلاحیت مسلمانان و مسئولان انقلابی که، به قول نویسنده مقاله، بر این اعتقاد راستین اند که: «برای نجات مکتب با لیبزرها مبارزه می کنیم»... (القاء ایدئولوژی- ستون دوم) و می دانیم مبارزه با لیبزرها همان تعمیق انقلاب و گسترده شدن افق های آنست...

۳- دروغ و فریب خواندن واقعاتی مانند «خطر لیبرالیسم» و منحرف کردن مسیر مبارزه انقلابی از جهت ضرور و مبرم آن... نویسنده مقاله مکرر «القاء ایدئولوژی» که به واقع درصدد «القاء» ایدئولوژی خاصی به انقلاب است، در حالی که خود به کرات در طول مقاله از سرمایه داری، طبقه کارگر، ایدئولوژی، دیکتاتوری پرولتاریا، بورژوازی و نظایر آن، که گویا حقیقت طبقاتی اند، سخن می راند، تقسیم بندی جامعه را به طبقات دروغ می خواند و برای فرود آوردن ضربه نهائی خود به مقدمه جینی می پردازد: «دشمن (حزب توده) می خواهد با تقسیم بندی قلابی طبقاتی به اختلافات دامن بزند»...

و سپس از این مقدمه جینی زیرکانه، به نرمی نقب به مقصود می زند: «در اسلام... بازی های قدرت بی معنی می شود و تمام اقشار و گروه ها و ملیت ها و قوم ها، همه با مشورت و بحث آزادانه به یگانگی و وحدت می رسند»... صد البته وقتی منکر واقعیتی چون لیبرالیسم و وجود لیبزرها در جامعه شدیم، وقتی طبقات اجتماعی و مبارزه طبقاتی را دروغ خواندیم (همچنان که نظریه سه جهان مائو عملاً بر واقعیت تقسیم بندی و مبارزه طبقاتی خط بطلان می کشد) مانعی برای خلق سلاح انقلاب و مسخ آن از درون در پیش نخواهد بود... اختلاف و منازعه برای چه؟ «تمام اقشار و گروه ها با بحث و مشورت به یگانگی و وحدت می رسند»... «حزب توده و دیگر کمونیست ها با تقسیم بندی طبقاتی توانسته اند توحید و روحیه مشورت را در جامعه و مخصوصاً در مجلس شورای اسلامی، به دسته بندی و اختلاف و تضاد مبنائی مبدل سازند... و گرنه ما با لیبزرها، با احتکار کنندگان و کرافروشان عمده، با قاچاقچیان، با سرمایه داران وابسته می توانیم به «بحث و مشورت بنشینیم و به یگانگی و وحدت تمام برسیم»... وقتی به تاکید و تصریح امثال نویسنده مقاله «با همه بلاستنهائی می توان به یگانگی رسید، با تمام اقشار و گروه ها و ملیت ها باید به وحدت رسید»... وقتی واقعیت عینی تضاد و خصومت، که در بیرون از قدرت خواست و اراده ما

وجود دارد، نیرنگ و توهم خوانده می شود، آیا جوازی در دست انقلابیون برای مبارزه با بختیارها و اویسی ها باقی می ماند؟ آیا اعدام انقلابی نصیری ها و هویداها - که بر اساس این منطق می توانستیم با آنها به وحدت و یگانگی برسیم و بعد روی یکدیگر را بسوسیم و گذشته ها را به فراموشی بسپاریم - خبط و گناه تلقی نمی شود؟ اصلاً مبارزه با آمریکا، وقتی درهای شورومازگره باز و دورنمای «وحدت» به ما لبخند می زند، هیچ دلیلی دارد؟ نباید گول حزب توده ایران و دیگر کمونیست ها را خورد، از معجزه «تفاهم و مشورت» غافل نباشیم... امپریالیسم دروغ است، لیبرالیسم دروغ است، تقسیم طبقاتی جامعه دروغ است، اختلاف و تضاد طبقاتی دروغ است... اگر این دروغ ها را باور کنیم، به فتوای موکد نویسنده مقاله «مارکسیسم - لنینیسم را جایگزین اسلام می کنیم»...

از این دیدگاه است که نویسنده مقاله تصادفاً به همان مقصودی میرسد که ایدئولوگ های سرمایه امپریالیستی برای ابیدی کردن «طاغوت سرمایه» و نظام غارتگر آن با همه وسایل ممکن تبلیغ می کنند... پایداری انقلابی توده ها علیه نظام محمدرضای به درک واصل شده و اعوان و انصار جنایت پیشه او، یعنی نظام غارتگر استبدادی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته به امپریالیسم، به این ترتیب دیگر محطی نمی یابد، قهر ناگزیر توده های پاره رهنه و محروم، یا به قول امام خمینی، مستضعفین علیه مستکبرین، علیه طاغوت ها، علیه برده داران معاصر، علیه درخیمان، و زندانیان خلق ها، علیه نوچه ها و ایادی امپریالیسم، غیر قابل پذیرش، و یا به زعم نومسلمان شده ها، غیر اسلامی است، زیرا که نویسنده مقاله فریاد می زند:

«در صورتی که اذهان مردم دیکتاتوری را پذیرفت، فرقی نمی کند که این دیکتاتوری به نام مستضعفین باشد... شامرتی بازی مائوئیستی - لیبرالیستی را می بینید؟ بازی با واژه ها و سوء استفاده از ظاهر کلمه «دیکتاتوری» و تاکید عوام فریبانه بر ظاهر متضاد آن با آزادی و آزادی خواهی را می بینید؟ نویسنده مقاله، با یکمان جلوه دادن محتوای دیکتاتوری و قهر اکثریت عظیم جامعه، یعنی توده های زحمتکش علیه اقلیت تاراجگر سرمایه داران و استه، زمین داران بزرگ، سفته بازان، بانکداران و تاراجگران ثروت های ملی، با دیکتاتوری امثال شاه و ضیا الحق ها، با دیکتاتوری فئودالها و کلان سرمایه داران، می خواهد عملاً نهاد ها را، چون دادگاه های انقلاب، کمیته ها، سپاه پاسداران انقلاب را، که تجسم مادی قهر خلقی علیه ضد انقلاب اند، لکه دار و بی حیثیت کند... چنین تلاشی در جهت منافع چه کسانی است؟ بدون این نهاد های انقلابی و اعمال قهر انقلابی بر ضد نظام جهانی شاه - ساواک - آمریکا، از انقلاب شکوهمند ایران جز لفظی تو خالی چه باقی می ماند؟ با واژه ها چه چشم بندی ها که نمی کند! آیا گرفتن حق طبیعی اعمال قهر از مظلومین در برابر ظالمین، از استثمار شوندگان در مقابل استثمار کنندگان، از شکجه شدنگان علیه درخیمان، همان ایدئال قدران و خداوندان زر و زور نیست؟ اسلام نویسنده مقاله واقعا به چه کسانی خدمت می کند؟

رونوشت مقاله «القاء ایدئولوژی» مطابق اصل روزنامه رنجبر

سخن این بود که: وقتی مائوئیسم در عرصه جهانی در تفاهم و هماهنگی تنگاتنگ با امپریالیسم حرکت می کند، آیا طبیعی نیست که در مسأله انقلاب ایران، این همراهی و اشتراک هدف، به اشکال گونهگون و به شیوه های مرئی و نامرئی، اعمال شود؟ در ارتباط با مقاله روزنامه انقلاب اسلامی - که فقط مستی از خروار آن را شکافتیم - نشان دادن چندم خروس کک شایان خواهد کرد... در مقاله «القاء ایدئولوژی» چنین آمده است:

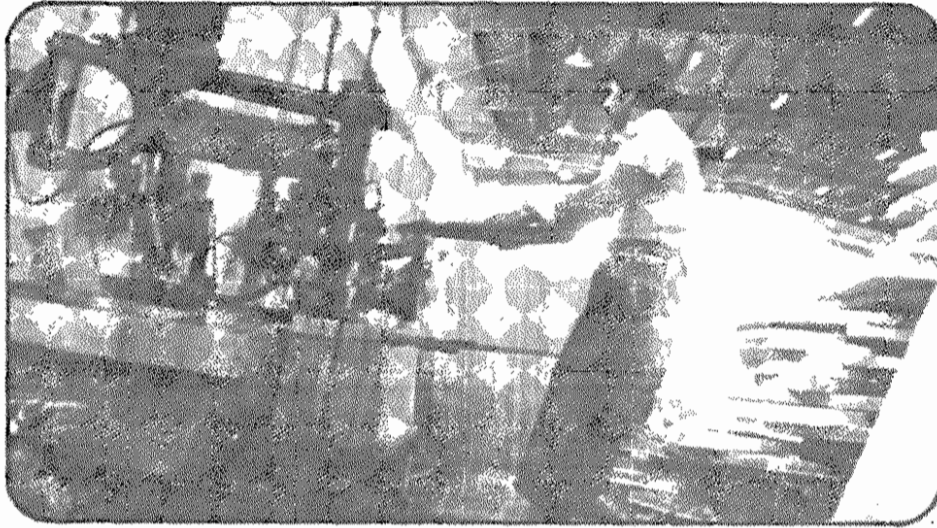
«حزب توده با تشدید جو دشمنی موجود با آمریکا به طور کاذب در نظر دارد طوری جامعه را در بحران های سیاسی - اقتصادی نگهدارد که محور سوم یا پاره کردن رشته های روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی از آمریکا و به طور کلی از غرب، با کشورهای سوسیالیستی رابطه بگیریم... روزنامه رنجبر چنین می نویسد: «حزب توده با طرح مسکلاتی چون بیکاری، کمپایی، تورم، گرانی و مرتبط بودن آن به وابستگی اقتصادی کشور به غرب، قصد دارد از این بازار آشفته به نفع خود و امپریالیست های روسیه بهره برداری نماید... آن ها برای وابسته شدن به امپریالیسم روسیه و کشورهای اقبال آن خواستار قطع وابستگی از کشورهای غربی هستند...» (شماره ۲۳، صفحه ۷) در مقاله «القاء ایدئولوژی» چنین می خوانیم:

«حزب توده کاملاً زیرکانه و در باره ای موارد استادانه عمل می کند و تضادهای بین مسلمانها را بررسی و به طرق مختلف تشدید می کند... روزنامه رنجبر چنین می نویسد: «حزب توده برای سوجدوئی از اختلاف میان جناح های حاکم - مذهبی - و سوء استفاده از آن... تلاش می کند»... (شماره ۲۹، صفحه ۷) نویسنده مقاله روزنامه انقلاب اسلامی می نویسد: «حزب توده هر متفکر مدافع آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی را لیبزالی می خواند... لیبزالی محکوم می شود و متاسفانه بعضی از گروه های مسلمان نیز به خاطر کوبیدن دیگر مسلمانان در این دام می افتند... و این مضمونی است که رنجبر در مقالات متعدد و با محتوای مقصد این تلقین که «لیبرال خواندن رجال سیاسی و اسلامی، اختراع توده ای هاست»، پشاپیش بذرها آن را پاشیده است... نویسنده مقاله روزنامه انقلاب اسلامی به افسانه بافی پرداخته است که: هدف حزب توده «نامید کردن متخصصین ایرانی و جایگزین کردن پانزده هزار متخصص تربیت شده در امور شیمی، فیزیک و هنر و... در آلمان شرقی و شوروی است... آنان با دلسرد و نومید کردن متخصصین ایرانی می خواهند آنان را از میدان بدر کنند و زمانی که متخصصین شیمی، فیزیک و پزشکی و غیره ایران را ترک کردند، یا بدبین و دلسرد شدند، بتوانند متخصصین تربیت شده خود را جایگزین آنها کنند و بدین گونه مکانها و مواضع حساس را تصاحب نمایند، همانطوری که کوبا را وابسته کردند...» تنها منبع این خبر اختصاصی - یا درست تر بگویم جعل اختصاصی -

ما کارگران و زحمتکشان تا آخرین قطره خونمان در راه انقلاب مبارزه می کنیم

کارگران کارخانه های سنگبری:

ما در حقیقت با آمریکا در جنگیم



کارگران می کنند. "از شمس الله درباره "بازنشستگی" می پرسیم. می گوید: "کارگران سنگبری ها اگر ۳۰ سال سابقه کار داشته باشند بازنشسته می شوند. ولی کارکنان سنگین وسخت است که کارگران پس از ۱۵-۱۰ سال علیل و زکار افتاده می شوند. من در تمام مدت این ۵-۴ سال که در این کار هستم، هنوز حتی یک نفر را هم ندیده ام که توانسته باشد ۳۰ سال کار کند و از حقوق بازنشستگی بهره مند شود. شمس الله هم با وجود مشکلات کار و زندگی کنونی خود شرایط حساس کشور و انقلاب را بخوبی درک می کند و می گوید: "من از انقلاب راضی هستم، و تنها خواسته اش را از وزارت کار این چنین بیان می کند: "تنها تقاضای من از دولت اینست که چند نفر را به این کارخانه های سنگبری بفرستد، تا آنها ببینند که ما توی این کارخانه ها از صبح تا شب، چه مشقتی می کشیم و یک قدری به وضع ما رسیدگی کنند. ما هنوز هم پس از ۴۰ ماه که از انقلاب می گذرد، تحت استعمار شدید کارفرماهای بولداری هستیم. ما نه ممکن مناسب داریم، نه آسایش درست و حسابی. این مسئولان بیمه و وزارت کار هم نمی بینند که این کارخانه ها یک سری بزنند و لااقل قانونی وضع کنند که این کارفرماها اینقدر ما را استعمار نکنند."

می بین انقلابی ما روزهای سزوش - سازی را می گذرانند. آمریکای خونخوار که مرتباً توطئه برای منداژ و جنگ و دستان نشان می دهد و رژیم بعثی صدام را به جنگ با انقلاب ما فرستاده است. در چنین شرایطی طبقه کارگر ایران ثابت کرده است که ما نند همیشه با با زوان قدرتمند خویش مددکار اصلی انقلاب در مقابل هجوم فدا انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های آمریکا و پیاپی گاه های داخلی آن است. بر مقامات مسئول است که از کارگران و سلامتی آنان و زندگی شایسته آنان همچون مردمک چشم محافظت کرده و پیش بینی های لازم برای حفظ تندرستی کارگران، در محیط کار آنها منجمد به هنگام حمله دشمن به عمل آید.

کارگران زحمتکش سنگبری ها، تمام سختی ها و کمبودها را بجان می خورند و حفظ موجودیت جمهوری اسلامی ایران و تکامل انقلاب را وظیفه عمده خود دانسته و آمادگی خویش را برای دفاع از انقلاب در برابر آمریکای جنایتکار و صدام حسین تجا و زگر، اعلام می کنند: عبدالرحمن احمدی می گوید: "من با اینکه تازه از سربازی برگشته ام ولی همیشه حاضرم که به جنگ صدام آمریکا بی بروم."

شمس الله می گوید: "ما در حقیقت با آمریکا در جنگیم. البته آمریکا سربازهای خودش را به جنگ ما نمی فرستد. بلکه به کشورهای دست نمانده اش مانند مصر، اردن و عراق دستور می دهد که با ما بجنگند ولی ما بر همه شان پیروز می شویم."

وی همچنین اضافه می کند: "من چند وقت پیش بطور داوطلب به جبهه رفتم و ۵ روز است که از آنجا برگشته ام. خودم هم مایل نبودم که برگردم. بلکه آنقدر افراد داوطلب آمده بودند که مسئولان مرا مرخص کردند. والان هم حاضرم که دوباره به جبهه برگردم."

و حسن می گوید: "این صدام حسین دست نشاندۀ آمریکا است و الان ساواکی های فسراری، بختیار، اویسی و پالیزیان هم در عراق هستند و بدستور آمریکا با مادر حال جنگ هستند. ما خواهان جنگ نیستیم ولی اکنون که به ما حمله کرده اند ما کارگران و زحمتکشان تا آخرین قطره خونمان در راه انقلاب مبارزه می کنیم. من تا از برادرانم به هنگام نبرد با مزدوران عراقی شهید شده اند و خودم نیز چند روز پیش برای دفاع از انقلاب، داوطلب شدم. ولی گفتند که فعلاً به من احتیاجی نیست."

که من و امثال من بوجود آورده اند، ما را رضی بانم؟ و به همین علت و با امیدیه آینده انقلاب است که کارگران بسیار از ملایعات و محرومیت ها را تحمل می کنند و همه نیروی خود را برای مقابله با تاجران آمریکا می صدم بکار می برند. به سراغ یکی دیگر از کارخانه ها می رویم: کارگری را در کنار دستگاه "سنگ ساب" مشاهده می کنیم که سنگهای ۵-۴ کیلوگرمی را بلند می کند، به او نزدیک می شویم و درباره کارش سؤال می کنیم. می گوید:

"همانطور که می بینید، من مجبورم که برای ماف کردن و برش دادن این سنگها همیشه با آب سروکار داشته باشم. او که قسمت هایی از لباس درخین کارخیز سده بود، چنین ادا می دهد: "سختی کار ما بینتر از این نظر است که دائماً با آب سروکار داریم و در فصلی که در پیش داریم، تحمل آن دشوارتر می شود."

وی درباره گرانی می گوید: "اکبر ما کارگران سنگبری ها چون حقوق مان، با توجه به گرانی کمرشکن، کفاف مخارج زندگی مان را نمی دهسد، مجبوریم که پس از ۸ ساعت کار سنگین، اضافه کاری هم بکنیم." شمس الله، کارگری دیگر از کارخانه ها، نیز کارمانشاهی است و ۲۶ سال دارد و سر و صورتش پوشیده از گرد و غبار سنگهاست. او درباره کارش می گوید:

"اسم این کار را فرزکاری گذاشته اند ولی اسم واقعی آن بدبختی است. این کار جز بدبختی اسم دیگری ندارد. من ۴-۵ سال است که از صبح تا غروب، توی این کار هستم و فقط روزی ۹۸ تومان مزد می گیرم."

وی همچنین اضافه می کند: "گذشته از سنگینی وزن سنگها که انسان را به کمردرد می اندازد، ما از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر توی این رطوبت کار می کنیم و تازه بعد از این کار هم باید ۳ ساعت اضافه کار کنیم." می پرسیم: چرا؟ می گوید: "برای اینکه کارفرما را می گوید اگر "اضافه کاری" نکنید، اخراجتان می کنم و برای ۸ ساعت اضافه کاری هم حقوق یک روز زایه ما می دهند." می پرسیم در کارخانه قبلی به کارگری که همین کار تورا می کرد، روزی ۵۰ تومان دستمزد می دادند. دلیل این موضوع چیست؟ می گوید:

"فقط به این دلیل که هیچ کس به کار این کارفرماها نظارت نمی کند و آنها هم هرکاری دلشان بخواهد بسا ما

صبح تا غروب، اینجا به این کار سخت تن نمی دادم." می پرسیم چقدر حقوق می گیری؟ می گوید: "من روزی ۲۰ تومان دستمزد می گیرم. که از این مقدار، ماهی ۵۰۰ تومان هم اجاره خانه می دهم. من تازه زن گرفته ام و با این گرانی سرسام آور، روزی ۲۰ تومان کفاف مخارج زندگی ام را نمی دهد."

می پرسیم بیمه هستی؟ می گوید: "نه. از وقتی که من اینجا هستم حتی یک نفر هم از طرف بیمه و یا وزارت کار نیامده اینجا سر بزند. نمی آیند اینجا ببینند که ما چه می کشیم. وی درباره خواست هایش می گوید: "تنها خواست من این است که انقلاب به پیروزی کامل برسد. چونکه می دانم این انقلاب، مال ما زحمتکشان است."

عبدالرحمن احمدی ۲۲ سال دارد و اهل شهداست. درباره کارش می گوید: "من فرزکار هستم و جمعا ۴ سال در کارخانه های سنگبری کار کرده ام. این کار خیلی دشوار است و در محیط ساعت کار طاقت فرسا، آنهم در محیط مرطوب و پیرسوز، فقط ۵۰ تومان به من می دهند. این حقوق خیلی کم است ولی مجبورم. من با بیخود خرج پدروم دارم را هم که در مشهد زندگی می کنند، به هم وی با غم و اندوه فراوان اضافه می کند: "زحمتش را ما می کشیم ولی کارفرماها پولدار می شوند."

می پرسیم طبق قانون کاری که شورای انقلاب تصویب کرده است، حداقل حقوقی که برای کارگران تعیین شده روزانه ۶۸ تومان است. چرا به توه ۵۰ تومان می دهند؟ می گوید: "خب می دانید، الان وضع ملکیت خیلی حساس است و دولت هنوز به کارگران کارفرماها نظارت نمی کند، آنها هم هر قدر دلشان بخواهد به ما دستمزد می دهند."

در همین هنگام یکی از کارگران خارجی (افغانی) در حالیکه قطعه سنگ بزرگی را حمل می کند، از کنار ما می گذرد. عبدالرحمن درباره آنها می گوید: "کارفرماها معمولاً سخت ترین کارها را به کارگران خارجی واگذار می کنند. و به آنها حقوق ناچیز می دهند. چونکه می دانند که کارگران خارجی هم مثل ما مجبورند."

از او می پرسیم: از انقلاب راضی هستی؟ می گوید: "من با اینکه بعد از انقلاب، وضع زندگی ام بهتر نشده، از انقلاب راضی هستم. آخر چطور ممکن است از انقلابی

از تقاطع خیابان فدائیان اسلام و بزرگراه بعثت که به سمت جنوب برویم، در کوچه های اطراف، جابجا به ده ها کارخانه "سنگبری" برمی خوریم، که تعداد زیادی از زحمتکشان میهن مان در آنها به کار مشغول هستند. وارد کارخانه ها که می شویم، اولین چیزی که نظرمان را جلب می کند، سروصدای سرسام آور دستگاه ها و فضای خاک آلود کارخانه ها است که تنفس را برای انسان مشکل می سازد، و جابجا کارگرانی را مشاهده می کنیم که سر و صورتشان بر اثر گرد و خاک سنگها، سفید گشته و با آنکه جکمه به پا دارند و پوشی لاستیکی جلوی بدن شان را پوشانیده است، نمی توانند از خویش جلگیری کنند. کارگران کارخانه های "سنگبری" به دودسته تقسیم می شوند:

دسته اول کارگرانی هستند که پای دستگاه های مختلف از قبیل "فرز"، "فرز دروازه ای" و "سنگ ساب" کار می کنند. این کارگران در تمام مدت کار خویش در محیط مرطوب بسر می برند. زیرا که دائماً از طریق شلنگ آبی که در بالای هر یک از دستگاه ها تعبیه شده است، آب بر روی دستگاه ها می ریزد، تا از "داغ" شدن آنها جلوگیری و آنها را "خنک" کند. در نتیجه آب، سر و صورت و بدن کارگران را خیس کرده و به زیر پای آنها می ریزد و گاه تا مخ پای کارگران در آب قرار دارد. در نتیجه کارگران در معرض انواع بیماری های ناشی از چندین ساعت کار در محیط مرطوب، قرار دارند.

دسته دوم کارگرانی هستند که قطعه سنگها را به پای دستگاه های مختلف حمل می کنند و آنها را در دسترس کارگران دیگر قرار می دهند. این کار نیز با توجه به سنگینی وزن سنگها، فوق العاده سخت و دشوار است و گساره سقوط آنها به کارگران صدمه میرساند. در هر کارخانه، ۷ تا ۱۵ کارگر از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر به کار سخت و طاقت فرسای "سنگبری" مشغول هستند و دستمزدها نیز به تفاوت، از ۵۰ تا ۱۵۰ تومان در روز است. که این تفاوت دستمزدها، گذشته از سابقه و مهارت کارگران در کار خویش، بستگی به انصاف صاحبان کارخانه ها نیز دارد و ما ضمن تهیه این گزارش مشاهده کردیم که ۲ کارگر، در دو کارخانه متفاوت، در حالیکه کار یکسان "فرزکاری" را انجام می دادند، دستمزدهای متفاوتی دریافت می کردند: یکی روزی ۹۸ تومان و دیگری روزی ۵۰ تومان.

در کارخانه های "سنگبری" از کار کارگران خارجی نیز استفاده می شود: در هر یک از کارخانه ها، به تفاوت، از ۱ تا ۴ کارگر خارجی، اعم از "افغانی" و "بنگلادشی" و "پاکستانی" به کار مشغول هستند. این کارگران نیز در سخت ترین شرایط بسر می برند و کارفرماها، اغلب، از موقعیت آنها سوء استفاده کرده و سخت ترین کارها را در ازای دستمزدی ناچیز، به آنان واگذار می کنند. در این کارخانه ها، قطعه سنگهای بزرگی که گاه وزن آنها به چند تن می رسد، ابتدا بوسیله "اره های مکانیکی مخصوص به قطعات کوچکتر تبدیل می شوند و پس از آنکه "ترنر" آنها را به قطعات کوچکتری تقسیم کرد، "صیقل کار" نیز سنگها را صاف و شفاف می کند. و بعد از آنکه چند کارگرهای پائین سی را انجام دادند، سنگها آماده عرضه شدن به بازار هستند.

با چندتن از کارگران "سنگبری" ها، صحبت کرده ایم که می خوانید: ابتدا، در یکی از کارخانه ها، با کارگری به نام "حسن" به گفتگو می نشینیم: حدود ۳۰ سال دارد و کرمانشاهی است. او درباره کارش می گوید: "من یکسال و ۴ ماه است که در این کارخانه هستم و کار من اینجا، صیقل دادن سنگهاست. این کار خیلی سخت است. و همانگونه که می بینید ما دائماً توی آب هستیم. این راحتاً سنوسید، بنوسید که ما از صبح تا غروب توی آب هستیم." آهی می کشد و ادامه می دهد: "والله مجبورم. اگر مجبور نبودم،

**طبقه کارگر ایران در افزایش تولید،
ترمیم خسارات جنگ
و دفاع در جبهه، پیشقدم است!**

روستائی زحمتکش مرجان آباد:

«ما زمین می خواهیم این همیشه خواست ما بوده است»



لیند کودکان دهقان (مرجان آباد) به روی انقلاب و به امید فردای روشن.

حقوق برحق دهقانان تهیدست را پایداری کند و هر نوع اعتراض و مبارزه آنان را سرکوب سازد. ولی با وجود این دهقانان این روستا، اعم از بی زمین و کم زمین، تاکنون پیوسته و متحد، برای بازپس گرفتن زمینهای خود مبارزه کرده اند و تا رسیدن به خواست قانونی خود بان ادا می خواهند داد. متأسفانه، علیرغم تصویب قانون اصلاحات ارضی و آئین نامه اجرای آن بوسیله شورای انقلاب، تاکنون بدلیل تعویق اجرای آن و خرابکاریهایی که علیه فعالیت پرثمر و حیاتی دهقانان برحق خودنموده شده، هنوز جوروستی که سالها بوسیله مالک برای دهقانان محروم ورنجیده رفته، برکسی پوشیده نیست. بعنوان نمونه دربار سال آب کانال از راه جویها به زمینهای زراعتی نرسید، زیرا پسر مالک طیانچه بدست راه عبور آب را سد کرده و مانع رسیدن آب به روستا شده بود. او که دهقانان را به مرگ مرگ تهدید میکرد، با مقاومت و

روستای مرجان آباد در ۴۰ کیلومتری شمال مهاباد واقع است. این روستا ۳۶ خانوار (با جمعیت ۳۰۰ نفر) را در بر می گیرد. روستا ۱۰۶۰ هکتار زمین زیرکشت دارد و قسمتی از زمین های آن نیز بایر است. در حوالی این روستا یک کوره آجرپزی وجود دارد. از این مقدار زمین زراعتی ۱۰۰۰ هکتار آن در اختیار ۲۳ خانوار قرار دارد. از این ۲۳ خانوار هم ۳ خانوار جمعاً دارای ۳۰ هکتار و ۲۰ خانوار دیگر صاحب ۲۰ هکتار زمین باقی مانده هستند. ۱۲ خانوار بی زمین این روستا نیز یا در کوره آجرپزی بکار مشغولند و یا در روستای خود روستاهای اطراف بعنوان کارگر کشاورزی برای صاحبان زمین کار میکنند. بعضی نیز در شهرهای دور نزدیک، بصورت کارگر ساختمانی بکار نیم بندی مشغول هستند. در زمان طاغوت، مالک جبار این روستا، با زور و شکنجه و با افساد و افسوسناک و افسوسناک

مفتخور و ظالم، که سالها همکار رژیم طاغوت بوده، مثل سابق به ما فشار بیجا و دردناک و زورگویی های خود ادامه میدهد. او ادامه میدهد: "ما زمین می خواهیم. این همیشه خواست ما بوده و برای گرفتن آن همچنانکه در گذشته به اشکال مختلف مبارزه کرده ایم، باز هم تا آخرین نفس برایش مبارزه میکنیم. با دیده دهقانانی که از روی ناچاری و نداشتن زمین آواره شهرها و روستاها میشوند کار داده شود، ما نه برق داریم، نه درمانگاه، نه جاده و نه حتی مدرسه، دو تاده با هم یک مدرسه دارند."

اراضی می کند: "ما نمی خواهیم که بچه هایمان مثل خودمان بیسواد باشند، می خواهیم با سواد بشوند و با زبان مادری خودشان درس بخوانند. ما تمام بدبختی ها را از دست اربابان و ساواکی های طاغوت میکنیم، که میخواهند در کردستان جنگ ادا می داشته باشد، تا بده هدف پلید خود برسند. آنها هر روز حادتهای بوجود می آورند، اربابان حامی و پانامریکا و صدام هستند و بیهزار حلیه دست می زنند، مالک می خواست با دادن دو سه هکتار زمین به بعضی از اهالی روستا، آنها را بخدمت خود در آورد و بین ما تفرقه بیندازد، ولی دهقانان این زمینها را قبول نکردند. راستی این اربابان خوی و خصلت گرگ را دارند."



دهقانان کمک کنیم، تا در سنگر و در پشت جبهه، وظیفه انقلابی خود را انجام بدهند.

روشن بینی و اتحاد دهقانان ستایش انگیز است. تجربه زحمتکش مرجان آباد دیگر روستاها نشان میدهد که بزرگ مالکان در اقتصاد روستایی کشور خرابکاری می کنند، در اجتماع تسخیر می فریبند و زمینه ساز توطئه علیه انقلاب هستند. باید ریشه آنها را کند، تا بتوان بر آمریکا و بر عمال آن توطئه های آن پیروز سد و کشتار و زوری اعتبار بخشید.

هادهان زحمتکش با جان و مال به حمایت از انقلاب برخیزند و در جبهه پشت جبهه، در سنگر و در کشتار، به جمهوری اسلامی ایران خدمت کنند.

اعتراض شدید روستائیان خلق سلاح شد. یکی از دهقانان کم زمین، گنگه زورگویی ها و نا مردمی های ارباب را بسیار دیده است، میگوید: "از زمان طاغوت تا بحال شکنجه و ظلم و زور دیده ایم. انتظار ما از انقلاب این است که کشاورزان و کارگران آزادانه کار کنند و برای آنها کار و زمین فراهم شود، نه اینکه ارباب

سازندگی در پشت جبهه نبرد

جهاد سازندگی دزفول، که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، با کمک نیروهای جوان و فعال دزفول پاکرفته و نقش ارزنده و چشمگیری در عمران و آبادی روستاهای منطقه، در ساختمان مدارس متعدد و همچنین شهرکهای جدید در این منطقه داشته است، در جریان جنگ میهنی کثوری با امپریالیسم آمریکا و نیروهای مزدور دارودسته، جنایتکار صدام حسین در جهاد سازنده خود در ارتقا با نبرد به نفع شایسته ادامه داده است. به دنبال طوفان امپریالیسم آمریکا و تجاوز رژیم صدام به خاک میهن ما، جهاد سازندگی دزفول، در کنار نیروهای رزمنده سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین، نیروی کلیه واحدهای خود را برای کمک به جبهه جنگ و تدارکات وسیع بست جبهه تجهیز کرده است. از کارهای ارزنده این نهاد انقلابی، بسیج کادری کارگری متخصص به منظور تأمین نیازمندیهای تعمیراتی جبهه و بسیج معدا، ریادی خودروهای کمرسی، وسایل نقلیه و ساختمانی و عملیات ترمیمی خرابیهای جنگ در سطح شهر دزفول بوده است. جبهه بر تحرک جهاد سازندگی در این شرایط و فیا فیهای مصمم و فعال اعضای آن، از پیوند عمیق و انقلابی این نهاد با توده های مردم حکایت می کند. ما برای جهاد سازندگی شهرستان دزفول موفقیتها و پیروزیهای روز-امروز آرزو میکنیم.

دو نمونه از کارهای مثبت و قاطع دادگاه انقلاب اسلامی فسا، در تقسیم زمین بزرگ مالکان و واگذاری آنها به دهقانان

دادگاه انقلاب اسلامی فسا، در نیمه دوم سال ۵۸، بنا به شکایت دهقانان این منطقه، حکم به تقسیم زمینهای مالکان بزرگ منطقه فسا، در میان دهقانان بی-زمین و کم زمین منطقه داده بود، اما بزرگ مالکان بوسیله ایادی خود و برخی از متنفذین مرتباً به دادگاه مراجعه کرده و به بهانه وجود ستاجرین در زمین و این که باید زمین در اجاره آنها باشد، در

اصلاحات ارضی برای کمک به جبهه و پشت جبهه

روستای گا و آهن تو با ۴۶۰ نفر جمعیت در بخش دیواندره شهرستان سنندج قرار دارد. آنها تا همین چند روز پیش زمینهای این منطقه در دست دو مالک و تقسیم نکردن اراضی آنها میان دهقانان و کم زمین این روستا، بنرخوردهای جدی میان دهقانان با مالک بوجود آورده است. در شرایط حساس کنونی، ادامه مالکیت غاصبان بزرگ مالکان و ایجاد تشنج مستقیم و مستقیم مبارزان در جبهه مالکین بزرگ، دانگ از زمینهای

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

بدنبال درج یک خبر دهقانی در شماره ۲۵۸ مورخ ۵۹/۳/۲۵، تحت عنوان "دست ایادی غلامزاده پهلوی را از جنگلها کوتاه کنید"، نامه ای به شماره ۴۶۶۶-۵۹/۲/۱- از طرف اداره کل ارشاد ملی استان مازندران و فتوایی نامه شماره ۱۳۹۸-۵۹/۶/۱۹ از طرف بخشدار کردکوی به دفتر نامه مردم ارسال گردید. متن نامه بخشداری کردکوی چنین است: "احتراماً عطف به نامه شماره ۳۲۵۳-۵۹/۵/۱۳ در مورد نامه مردم شماره ۲۵۸، مورخ ۵۹/۳/۲۵، صفحه ۴ (بولتن شماره ۳۴) تحت عنوان "دست ایادی غلامزاده پهلوی را از جنگلها کوتاه کنید" مطلبی درج گردیده بود، لذا باستحضار می رساند کلیه اموال مطلب درج شده که در طرح جنگل کردکوی مشغول بکار بوده، از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردکوی مصادره شده است. نامه مردم" - ارمحنوی نیمه مبهم نامه فوق برمی آید که، مصادره اموال مربوط به ایادی غلامزاده پهلوی ملعون است، که در ایس صورت مورد تأیید ما و دهقانان زحمتکش خواهد بود. ضمن تشکر از مقامات مسئول، اگر توضیح بیشتری ضروری است، لطفاً به نامه مردم اطلاع دهید.

وام های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی ب موقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی ها ب ساند.

دهقانان مینویسند:

دهقانان زحمتکش آماده دفاع همه جانبه از میهن انقلابی هستند! روستائیان زحمتکش روستای بارده، طی نامه ای به استاندار چهارمحال بختیاری، آمادگی خود را برای دفع تجاوز رژیم صدام خائن و دفاع همه جانبه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده اند. در نامه آنان از جمله آمده است: "اکنون که دست ظلم و ستم امپریالیسم جهانخوا را از آستین بلید صدام حسین تکریبی کافر بیرون آمده و بر علیه انقلاب اسلامی ما از هرگونه توطئه و تجاوز فروگذار نمی کند و نیروهای رژیم یعنی عراق به مرزهای خاک مقدس ما حمله ور گشته و کشور عزیز ما را مورد تجاوز قرار داده و بر روی برادران ارتشی و سیاهان پاسدار ما آتش گشوده، بدین وسیله ما مردمان روستای بارده، از طریق تعصب و غیرت و وطن خواهی، همه با عزمی راسخ و ایمانی کامل مصمم گشته با اراده آهنین آماده ایم با همه امکانات از میهن عزیز و ناموس ایرانی صیانت نموده و تا سرمرز شهادت از انقلاب خود دفاع کرده، و تا آخرین قطره خونی که در عروق ما جریان دارد، با ثبات قدم از بای نخواهیم نشست. در عین حال از پیر و جوان آماده ایم چون مجاهدین صدر اسلام به صفوف رزمندگان نستوه و دلاوران سلحشور برادران ایرانی بیبوندیم و در عرصه میدان نبرد حماسه بدر و احد را مجدداً به عالمیان بنمایانیم." این نامه به امضای ۷۲ تن از روستائیان رسیده است. در این لحظات حساس باید دهقانان را، که آمادگی کامل دارند، از هر نظر تجهیز کرد. آنان را باید از نظر نظامی آموزش داد و بسیج کرد. دهقانان زحمتکش علاقمند به انقلاب و دستاوردهای آن هستند. با رسیدگی به خواستهای دهقانان، این نیروی عظیم را علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم تجاوزگر صدام حسین تجهیز کنیم.

سادات در لباس ژاندارم

برابر حسابی که ملبوعات کرده اند برنامہ کمک نظامی امپریالیسم آمریکا به کشورهای خاور نزدیک، در نوبت اول به اسرائیل، مصر و عربستان سعودی، در سال جاری افزون بر ۸ میلیارد دلار است. هدف های این باصلاح کمک نظامی چیست؟

روزنامه امریکائی "فیلادلفیا- اینکوایر" به این پرسش پاسخ می دهد: "دولت کنونی آمریکا نیز مانند پیشینیان خود نمی تواند جز دادن اسلحه وسیله دیگری برای بدست آوردن دوستان پیدا کند".

البته معلوم است که سخن از چنان "دوستانی" است که حاضرند اسلحه گرفته شده از آمریکا را برای منافع آمریکا بکار ببرند.

پس از خروج ارتشهای انگلستان از نواحی وسیع "خاورکنا" سوئز "در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) خود بخود "دکترین نیکسون" در این منطقه رایج شد که طبق آن، امپریالیسم آمریکا می بایست بر متحدینی تکیه کند که از لحاظ نظامی- فنی آنها را تامین می نماید، حلقه عمده این "دکترین" البته اسرائیل است که همیشه نقش چماقی را بالای سر دنیای عرب بازی کرده است. برای رژیم طاغوتی شاهنشاهی نیز نقش "ابرقدرت" منطقه ای در نظر گرفته شده بود، که همچون نوعی "ژاندارم خلیج فارس" پاسدار منافع غاصبانه انحصارات نفتی بین المللی و نگهبان "منطقه فاصله" تا مرزهای اتحاد شوروی باشد.

تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷، شاه مخلوع تقریباً نیمی از درآمد سالیانه ۲۰ میلیارد دلاری از نفت رابه هزینه های نظامی اختصاص می داد. در ایران در حدود ۶۰ هزار متخصص نظامی امریکائی وجود داشت. عربستان سعودی نیز که یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت بود، همواره "مورد توجه خاص" واشنگتن بود. تا این زمان عربستان سعودی ۶/۳ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا خریداری کرده است. در این کشور حدود ۴۰ هزار متخصص امریکائی وجود دارد!

انقلاب ایران شدیدترین ضربت را به "دکترین نیکسون" در خاور نزدیک و میانه وارد ساخت. استراتژی های واشنگتن با تب و تاب فراوان به جستجوی جانشینی، هم برای "دکترین نیکسون" و هم برای متفقی که از دست داده بودند، پرداختند. عربستان سعودی که از لحاظ نظامی قدرت کافی نداشت و سیاست خارجی محتاطانه ای برای ایفای نقش گرداننده در جهان عرب و اسلام تعقیب میکرد، بدر این کار نمی خورد. نظر واشنگتن متوجه قاهره شد. پس از انعقاد سازش کمپ دیوید (سپتامبر ۱۹۷۸) و امضای قرارداد صلح جداگانه اسرائیل و مصر (مارس ۱۹۷۹) انور سادات با فعالیت بیشتری از آمریکا دعوت می کرد، تا از اراضی مصر برای مقاصد استراتژیک خود استفاده کند. روزنامه امریکائی "اینترنشنال هیرالد تریبون"، که در پاریس منتشر می شود، نوشت:

"رئیس جمهور انور سادات خلیجی مایل است یک اتحاد استراتژیکی بین آمریکا و مصر ایجاد کند. این روزنامه از اظهارات انور سادات نقل قول می کرد که گفته بود: "بگذار ایالات متحده به مصر کمک اقتصادی کند... ما حاضریم ارتش های خود را به دفاع از هر کشور عربی، که هوادار غرب است، اعزام داریم".

در عمل قاهره وارد مسابقه با تل آویو شد، که کدام یک می تواند بهتر به منافع آمریکا در منطقه خدمت کند، کدام یک از دو دولت دشمن همه جهان عرب و اسلام است- اسرائیل یا مصر- این بزرگترین کشور عربی از حیث جمعیت و امکانات بالقوه نظامی صنعتی؟ چه کسی بهتر می تواند "جلوی کمونیسم را بگیرد"، جنبش های رهاشی بخش ملی را سرکوب کند، وضع اجتماعی- اقتصادی موجود رژیم های ارتجاعی را حفظ کند، واشنگتن را از حیث پایگاه تامین و اگر لازم شود، سرباز هم بدهد؟ اگر قاهره انتخاب شود، در آن صورت سیل "بخشش های" ماوراء اقیانوس به سوی قاهره سرازیر خواهد شد... در قاهره چنین تصور می کردند و این بود منطق خیانت به منافع عمومی و مشترک اعراب.

از "پاکت اسهام معامله" کمک نظامی آمریکا در چهارچوب سازش

امکانات نظامی اسرائیل قابل مقایسه باشد.

این روزنامه ادامه می دهد: "مصر ۳۰۰ هواپیما از انواع مختلف از آمریکا درخواست کرد، اما فقط ۷۵ فروند دریافت کرد. مصر از راکت های درخواستی جهت ۵۰ لشکر نیروهای زمینی فقط تعداد لازم برای ۱۲ لشکر را می تواند دریافت کند. در عین حال، پیرامون اینکه به مصر همان امتیازاتی را بدهند، که به اسرائیل داده اند، هیچ صحبتی هم نمی توان کرد. و این هنگامی است که انور سادات بکرات رسماً اعلام کرده و سوگند خورده که اسلحه امریکائی هیچگاه علیه اسرائیل بکار برده نخواهد شد. اما واشنگتن بهیچوجه این نکته را مخفی نداشته است که مصر در مقابل همان اعتباراتی که تاکنون دریافت داشته، باید خدمت خود را نشان دهد. بنظر میرسد که در نقشه های واشنگتن برای خاور نزدیک، مصر نقش متفق درجه دوم یا تخصص محدودی را به عبارتی دیگر، نقش "ژاندارم عرب- مسلمان" را بعهده دارد، که تجهیزات آن باید برای اجرای عملیات پلیسی کافی، ولی برای یک استراتژی مستقل بکلی ناکافی باشد!

"دکترین کارتر"، که چندی پیش اعلام گردید، به تفاوت از دکترین سابق بیشتر روی "حضور نظامی مستقیم" آمریکا در مناطق "منافع حیاتی" امپریالیسم آمریکا تکیه می کند. پایگاه چنین "حضور" مورد نظر گرفته شده است. رئیس ستاد نیروهای هوایی آمریکا، ژنرال لیوآلن، در ماه ژوئن امسال، بعضی جزئیات فنی نقشه های واشنگتن را توضیح داد و گفت:

"ما میخواهیم عمل کردن در این طریق ارزیابی روزنامه "واشنگتن پست" این تدارکات مقدماتی در حدود ۴۰۰ میلیون دلار هزینه خواهد داشت و از آن پس پایگاه قدرت پذیرش هواپیماهای امریکائی و حدود ۱۸ هزار چتر باز را پیدا می کند. در ماه نوامبر حدود ۱۵۰۰ نفر از ارتشیان آمریکا به مصر اعزام می شوند، تا نخستین آموزشهای نظامی در خارج از مرزهای آمریکا را در چهارچوب باصلاح نیروهای واکنش سریع انجام دهند (که اکنون صورت می گیرد). ملبوعات تریبی خیر داده اند که هم اکنون در مصر کارشناسان و "مشاورین" ماوراء اقیانوس که در سرکوبی جنبش های خلقی تخصص دارند مشغول به کار هستند. بدین ترتیب واشنگتن نه فقط هزینه های نظامی قاهره را می پردازد، بلکه در عین حال "اعتبار لازم برای حفظ رژیم در مبارزات سیاسی داخلی را نیز در اختیار آن قرار می دهد.

امپریالیسم آمریکا با عجله به تجدید تسلیحات ارتش مصر مشغول است. بخش بزرگی از ۳۵ فروند اسلحه های خریداری شده هم اکنون به مصر آمده است. تا آخر سال احتمال دارد ورود هواپیماهای "ف-۱۶" به مصر آغاز شود. نیروی دریایی مصر در صدد تهیه زیردریایی ها و ناوهای اختصاصی دیگر جهت نگهبانی در آبهای سرخ است. در پایگاه هوایی "لاکانه" در ایالت تگزاس خلبانان مصری را تعلیم می دهند. گروههایی از ارتشیان مصر پشت سرهم عازم آمریکا می شوند.

آیا هم: اینها بدان معناست که مصر سابقه در راه "متفق شماره ۱ آمریکا" در خاور نزدیک شدن را از اسرائیل برده است؟ برای پاسخ به این پرسش باید باز به ارقام مراجعه کرد: مصر سالیانه حدود ۷۵۰ میلیون دلار به حساب اعتباری که به او می دهند، تجهیزات جنگی از ماوراء اقیانوس خریداری می کند. اما اسرائیل سالیانه ۱/۸ میلیارد (حدود ۲/۵ برابر)، آن هم تجهیزات جنگی از نوع پیشرفته تر و بهتری را خریداری می کند. برای سال مالی ۱۹۸۲ تل آویو می خواهد ۳ میلیارد دلار کمک از آمریکا تقاضا کند، که دو سوم آن صرف تجهیزات نظامی می شود.

در این مقایسه دیده می شود که تجدید تسلیحات مصر چندان قابل ملاحظه نیست. روزنامه "الشعب" چاپ قاهره، با استناد به عقیده افسران صلاحیت دار مینویسد: "برای ارتش مصر سالانه حدود ۱۵-۱۰ میلیارد دلار تجهیزات جنگی لازم است تا بتواند بطور تقریبی با

منطقه را خودمان یاد بگیریم... یکی از مقاصد اصلی ما اینست که برخورد اهالی محل به نیروی هوایی آمریکا با طاقت و تحمل توأم باشد. بنیادگرایان علاوه بر مصر، در عمان نیز پایگاه بدست آورده است. دولت سومالی هم پایگاه های دربند بربره در اختیار آمریکا گذاشته است. اگر در نظر بگیریم که آمریکا پایگاه بزرگ و پیر- تجهیزات پیچیده ای در دیگوگا رسیا، در اقیانوس هند، دارد و تلاش میکند که در کنیا نیز مستقر شود و در بحرین هم پایگاه دریایی خود را حفظ کرده است، آنوقت منظره یک سیستم کالیفرنیایی از پایگاه های نظامی و تکیه گاه های استراتژیک امپریالیسم آمریکا مجسم میشود، که منطقه خاور میانه و نزدیک را احاطه کرده است. در وضع بسیار رمتشنجی که در نتیجه جنگ تجا وزکا را نه رژیم صدام تکریتی علیه جمهوری اسلامی ایران در این منطقه بوجود آمده است، این سیستم میتواند هر لحظه به کار رانداخته شود.

روزنامه سوریه "البعث" با استناد به "محافل کاملاً مطلع" در کویست می نویسد:

"نخستین یگان های ارتش آمریکا پس از جنگ عراق علیه ایران، هم اکنون به منطقه خلیج وارد شده اند. آنها در عمان، بحرین، اما رات (دوبی) و عربستان سعودی مستقر شده اند. این روزنامه تاکید میکند که بویژه سادات تمسک با دولت های خلیج فارس را بمنظور همکاری در چرخه رچوب نقشه های جنگی امپریالیسم آمریکا آغاز کرد.

اما همه کسانی که امید دارند در "حضور آمریکا" و "پشته های" از تجهیزات جنگی "تکیه گاه" می بیند کنند، طناً ب رابه گردن خود خواهند انداخت. شیخ شاه بالای سر آنها در گردش است.

(خلاصه از مجله "عصر جدید" ۲۴ اکتبر ۱۹۸۰)

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

مائوئیسم

از صفحه ۳

روزنامه رنجبر است. رنجبر سه شماره در باره این متخصصین موهوم قلم فرسائی کرد و سرانجام تکرار و تکمیل این خرسیا ساخته را به دیگر بیاران و علاقمندان خود محول کرد. رنجبر هم، مثل نویسنده مقاله "القاء ایدئولوژی" حل نشدن مساله گروگان های امریکائی را برای مدت یک سال " و اصولاً این

عمل انقلابی را، که امام خمینی آن را "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" و "باعث آبروی اسلام و ایران" خواندند، زیر سر توده ای ها و "نوطه" معرفی کرد، غافل از این واقعیت - شاید هم کاملاً آگاه بر آن - که، علیرغم القاء نویسنده مقاله، حل نشدن مساله جاسوسان امریکائی در مدت یک سال، نه ورد و افسون حزب توده ایران، که به خواست قلبی توده های میلیونی و ناشی از دستور صریح امام خمینی در واگذاری تعیین سرنوشت جاسوسان به عهده مجلس شورای اسلامی بود. و هنوز هم لاینحل ماندن این مساله - که داغ و درد سنگینی بر دل لیرال ها است - نه تحریک و سوسه توده ای ها - که هیچ نقش و سمت و اختیار رسمی و دولتی ندارند - بلکه بی امتنانی و تعمد امریکائی جهان خوار، در آزادی شهروندان و جاسوسان خویش و شانه خالی کردن از پذیرش شرایط عادلانه ایران برای رهایی جاسوسان است.

نویسندگان رنجبر هم، مثل نویسنده مقاله "القاء ایدئولوژی"، از زرفش انقلاب و شتاب گرفتن آهنگ ضد امپریالیستی و ضد امریکائی آن بیمناک و همچون نویسنده مقاله، که فریاد برمی دارد: "مبادا" مجبور شویم با پاره کردن رشته های روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، از آمریکا و بطور کلی از غرب، با کشورهای سوسیالیستی رابطه بگیریم"، سعی در بربرون کشیدن آمریکا و دیگر امپریالیست های غربی از زیر ضربه و آماج قرار دادن کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی بجای آنها دارند. اگر نویسنده مقاله "القاء ایدئولوژی" مبارزه انقلاب ایران را با امپریالیسم آمریکا کاذب و غیر طبیعی می داند و با گستاخی می نویسد: "تشدید جو دشمنی موجود با آمریکا بطور کاذب" نظر حزب توده ایران است، رنجبری ها هم در خوش خدمتی به ارباب، به سوسیالیسم جهانی، به عنوان دشمن اصلی ایران، ایشاره می کنند و در این جبهه گیری نویسنده مقاله، که بی پرده پوشی و لااقل حفظ ظاهر، از "پاره کردن رشته های روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی از آمریکا و بطور کلی از غرب"، اظهار ناراحتی می کند، شریکند.

اگر قرار باشد تمامی نکات و مضامین مشترک مقاله و موضع نویسنده مقاله با موضع حزب رنجبران بازگو گردد، مثنوی هفتاد من کاغذ شود. همین نمونه های مشخص برای بر ملا کردن ریشه های واقعی و منابع الهام نویسنده مقاله کافی است. و همین مختصر شاهد زند و گویائی است که واقعا چه کسانی تلاش در "القاء ایدئولوژی" سفارشی خود به انقلاب خلقی و آزادی بخش ایران و انحراف مسیر دارند. نویسنده مقاله "القاء ایدئولوژی" یک تن بیش نیست. و یک مقاله، اعتبار و مایه ای در خور این نقد و بررسی و توجه را ندارد. اما واقعیت اینست که این یک تن و این یک مقاله شاهد گویائی از وجود یک جریان سیاسی و انحرافی خاص است که مخفیگاه خود را به درون سنگر های انقلاب کشانده است. و ضرورت افشای این جریان و نمایندگان آن، از نیاز مبرم و حیاتی انقلاب به خانه تکانی و تاراندن ارواح و اجنه بدشگون از دور و برش، ناشی می شود.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی سکیل شد، یکی از نمایندگان به کنفرانس سران تجع عرب بشدت حمله کرد و همچنین خواستار سیدگی به وضع به اصطلاح مجاهدان افغانی، که قاچاق ارز و سرقت مسلحانه در ایران اشتغال زند، گردید.

در آغاز این جلسه محمدعلی تاتاری، نماینده هدان، اولین سخنران پیش از دستور، به تشکیل کنفرانس سران مرتجع عرب اشاره کرد و گفت: «آمریکا، این خصم خیره سر مستضعفین هان، این کنفرانس را توسط «حمالة الحطب» سکیل داد تا خنجر از رویرو بر انقلاب فلسطین از پشت بریکر انقلاب اسلامی ما فرودآورد».

ناطق سپس به سفر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به کشورهای مترقی منطقه اشاره کرد ضمن پربار و موفقیت آمیز خواندن این سفر، لفت:

«این دیدار نه اینکه يك سفر دیپلماتیک بسیار مهمی بود، بلکه سرآغاز فصل نوینی است در وابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جبهه یداری و قطعا این گرایش است صحیح و اصولی، که در تدوین خط مشی و دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأثیر فراوانی خواهد داشت و باعث استحکام بیشتر پیوندهای انقلابی و اسلامی خلق سلمان ایران و خلق های انقلابی و مسلمان ماورمیانه خواهد شد و پشتیبانی تمام نیروهای سد امپریالیست و نهضت های آزادیبخش را در مراتر جهان به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این، این دیدار از اهمیت خاصی و فراوانی به عنوان زرتب خط مشی مجلس در زمینه مسائل سیاست درجی که براساس اصل تویی و تیری و اصل نه شرقی نه غربی پی ریزی شده، برخوردار است، بلطبع تابعی است از سیاست داخلی جمهوری اسلامی، که مجلس در پیش گرفته است و متغیر این تابع با تصویب هرچه بیشتر و سریعتر قوانین ر جهت منافع مستضعفین سیر صعودی را خواهد یمود. برای نمونه دو مسئله بسیار مهم، که در آئیده نزدیک در دستور کار و شور مجلس قرار خواهد گرفت، یعنی طرح ملی کردن بزرگانسی خارجی و طرح تقسیم عادلانه آب را می توان ذکر کرد. نمونه دیگر لایحه قانونی تقسیم اراضی است که در مراحل ابتدائی اجراست، گرچه گهگاه زمزمه مخالفتی از ناحیه کسانی که منافع خود یا اربابان خود را در خطر می بینند، سر داده می شود، ولی با تأیید مجدد امام پاسخ سخنی به آنها داده شد. مجلس آگاه است که این نمونه ها برای رهایی مستضعفین از قید و بند و اسارت مستکبرین کافی نیست، بلکه هنوز مسائل پیچیده و بفرنجی در جامعه لاینحل باقی است، که امید است در آینده با شتاب بیشتری رسالتش را به انجام برساند. هنوز به علت اجراشدن کامل اصول ۴۹ و ۴۳ قانون اساسی سرنوشت اداره کارگران شهرداری و سایر کارگران روشن نیست، در صورتی که حقوق های کلان عده ای از کارمندان دربار و ساواک، که به خارج فرار کرده اند، هنوز پرداخت می شود. در این خصوص دلایل کافی در دست است. چه ضرورتی دارد به کسانی که دین و ایمان وطن شان چندان های پر از پول و جواهرات است که در ایران بسته و مهر و موم و در خارج گشوده می شود، حتی حقوق بازنشستگی برای عیاشی آنها پرداخت شود؟ هنوز برنامه های نوسازی جامعه مراحل ابتدائی را می گذراند و به علت عدم برنامه ریزی صحیح، خلاهای که بین صنایع ذوب فلزات و صنایعی که مصرف فلزی دارند، پرنده است. برای توضیح بیشتر، رژیم دست نشانده امپریالیسم و انحصارگران خارجی با کارشکنی در احداث صنایع ریخته گری و ماشین کاری قطعات ریخته گری و آهنگری به مقیاس وسیع، عمدا مانع از آن گردید که محصولات ذوب آهن به شکل مواد نوساخته در صنایع مورد استفاده قرار گیرد. صنایع ذوب فلزات وقتی می تواند نقش اساسی و تعیین کننده در صنعتی کردن کشور ایفا کند که صنایع جنبی آن ایجاد گردد، یعنی هر وقت با ایجاد صنایع ذوب فلزات، ایجاد شبکه ای از صنایع ماشین سازی که بر پایه محصول ذوب فلزات کار می کنند، احداث گردند. توجه مسئولین امور را به این امر حیاتی جلب می کنم.»

عدم کنترل مرزها و هجوم

تاتاری سپس افزود: «هنوز بسیاری از مرزهای کشور کنترل نمی شود و این باعث شده است که عده ای دلال

در جلسه علنی مجلس گفته شد:

کنفرانس سران عرب بدستور آمریکا تشکیل شد

سفر رئیس مجلس به کشورهای مترقی منطقه بازتاب خط مشی مجلس است

- گروه سیاسی و مبارز افغان وابسته به آمریکا در قاچاق ارز و فرار دادن ساواکی ها از ایران دست دارند
آقای والدهایم! شما پرچم حقوق بشرا به کار برورینگان که ننگ حقوق بشرنند سپرده اید

بین المللی با بدست آوردن کارت به اصطلاح بازرگانی مقدار معتناهی اشیاء قیمتی را به عنوان کالای تجارتی خارج کنند و ارزش آن را با زدوبندهائی که خود می دانند، برنگردانند. برای نمونه، بعد از انقلاب تعداد بازرگانانی که کارت بازرگانی برای صدور فرش بدست آورده اند، ۶ برابر شده است. علاوه قاچاقچیان بین المللی از مرزهای جنوب شرقی، به سادگی کودتاجیان و مجرمان و همچنین سرمایه های مارا، اعم از جواهرات و وجه نقد، از طریق دریا و زمین خارج می کنند، و یکی از هدایایی که به ما عرضه می کنند، مواد مخدر است. بنابراین مجلس وظیفه اساسی دارد که جهت حل معضلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه شتاب بیشتری داشته باشد. در این جا مسئله مهاجرت و هجوم بی رویه افغان ها، که مشکلاتی را خصوصا در استان سیستان و بلوچستان بوجود آورده اند، لازم به یادآوری می داند. متاسفانه مسئولین امور توجه کافی به این مسئله ندارند و از کنار آن به سادگی می گذرند. درحالی که مسائلی در حال نطفه گذاری است، که اگر زایش آن فرارسد، زاد و ولدش در حدی نیست که قابل کنترل باشد. درحال حاضر برجعیست این منطقه فقیرترین کشور حدود ۳۰۰ هزار نفرافغانی تحمیل شده اند، که هرروز، با توجه به عرضه کم ارزاق و مایحتاج عمومی، مسائلی را می آفرینند. من برای نمونه بطور خلاصه سه مورد را ذکر می کنم: چند روز قبل که در حوزه انتخابیه ام بودم، سرقت مسلحانه مهمی در جاده زابل - زاهدان و نزدیک به مرز افغانستان بوقوع پیوست. قطع نظر از خسارات جانی و مالی، بنابراین اظهار منابع موثق دولتی، این سرقت پس از ردیابی توسط افراد گروه های به اصطلاح درگیر در افغانستان انجام شده است. مورد دیگر - دلایلی مستند وجود دارد که گروه های سیاسی و خیل مبارز افغانی وابسته به آمریکا، که متاسفانه دفاتری نیز در زاهدان دایر کرده اند، در قاچاق ارز و فرار دادن ساواکی ها و مجرمین حرفه ای و کودتاجیان، با صدور کارت به اصطلاح مجاهد، مستقیما دست دارند.»

پیام به کورت والدهایم!

ناطق در پایان خطاب به کورت والد هایم، دبیرکل سازمان ملل متحد اظهار داشت: «آقای والدهایم! درحالی که شما به عنوان دبیرکل سازمان ملل می دانید انگیزه صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسامبر ۱۹۴۸ و میثاق های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی... برای جلوگیری از تکرار جنایات جنگی و بمباران های وحشیانه و غیرانسانی هیتلر بود، درحالی که حافظ حقوق بشر هستید و بایستی پرچم حقوق بشر را شما بدست بگیرید، ولی آن را به شیاطینی مشابه کارتر و ریگان سپرده اید که ننگ حقوق بشر هستند. درحالی که شما برای آزادی جاسوسان آمریکایی به انواع و اقسام مسافرت ها دست زدید، درحالی که می دانید رژیم بعثی عراق با کودتا روی کارآمده و منشاء حکومت دولت عراق اراده مردم نیست، بلکه سریزه است و براساس ماده ۴۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر حکومت غیرقانونی است، لذا من براساس ماده ۴۳ و ۴۸ این اعلامیه از شما می خواهم که درقبال وظیفه ای که تاریخ و جامعه ملل متحد به شما واگذار کرده است، نسبت به جلوگیری از بمبارانهای وحشیانه و غیر انسانی شهرها و نقاط مسکونی و غیرنظامی میهن ما توسط رژیم بعثی و سرسپرده عراق چه کرده اید؟ آیا تصور نمی کنید که سکوت مطلق شما موجب محاکمه تان در تاریخ خواهد شد.»

ناطق بعدی پیش از دستور قهرمان رحمانی، نماینده مردم تاکستان، ضمن اشاره به دفاع دیرانه پاسداران و نیروهای مسلح از میهن انقلابی، گزارشی در مورد بازدید از خوزستان به مجلس ارائه داد. سومین سخنران سید محمدمهدی جعفری، نماینده مردم دشتستان، به نحوه برخورد بسا امپریالیسم، فاشیسم، ناسیونالیسم و لیبرالیسم اشاره و تأکید کرد که: «از آنجا که انقلاب اسلامی ما ویژگی های خاص خود را داشت و خصلت های ضد استکباری و ضد امپریالیستی آن از دشمن توطئه گر پوشیده نبود، بدیسیست که نمی توانست در برابر آن ساکت بنشیند و به هر اقدامی دست می زند تا اینکه رام ترین عروسک را می یابد و با شعارهای بظاهر ضد امپریالیستی کوک می کند و به جان جمهوری اسلامی ایران می اندازد. تا اینجا جریان طبیعی است، اما آنچه تاریخ ساز است، اراده مردم و تصمیم آنها به حفظ و تداوم انقلاب به رهبری امام خمینی است.»

وی سپس گفت: «آنچه باعث نگرانی، و نه ترس، ماست اختلاف ها و کشمکش هایی است که بین مسئولین جریان دارد و آنها بی توجه به هشدارها راه خود را می روند... حال اگر ما اختلافات بپریش و غیر اصیل را کنار بگذاریم، از جنگ تحمیلی امپریالیسم و صهیونیسم پیروز بیرون خواهیم آمد.» ناطق آنگاه خواستار تصویب سریع مقررات مربوط به پاکسازی گردید. وی در قسمتی دیگر از سخنان خود به وضع آوارگان جنگ و اسکان آنها اشاره و تأکید کرد، که در رساندن کمک به آنها باید هماهنگی ایجاد شود و همچنین از مقامات دولتی خواست که به وضع کشاورزان و کشاورزی کشور بخصوص در مناطق جنگی و تهیه امکانات لازم برای کشت توجه کنند. وی در پایان خواستار رسانیدن کمک های لازم به عشایر اطراف کرخه و شوش و جلوگیری از نفوذ عوامل ستون پنجم آمریکا در میان عشایر گردید.

گزارش سفر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

در اینجا حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس تذکراتی در رابطه با مسائل مختلف روز داد و جنایات رژیم صدام در لرستان را محکوم کرد. رئیس مجلس آنگاه به سفر خودبه کشورهای عربی اشاره کرد و گفت که بزودی گزارشی مرسوم در این مورد به مجلس خواهد داد. وی آنگاه گزارشی کوتاهی از سفر خود به مجلس داد و از جمله اظهار داشت: «ما رویهم رفته خوشحال و راضی و امیدوار برگشتیم. درمورد مجلس باعث اعجاب آنها بود که یک انقلاب که متکی به حزب و تشکیلات منظمی نبوده و فقط با اتکاء به یک رهبری قاطع و اراده مردم بتواند ملت را به سرعت به مجلس برساند.» رئیس مجلس سپس افزود: «آنها از اینکه یک مجلس با توجه به نداشتن سابقه پارلمانی نمایندگانش، اینقدر به خود مطمئن است که روزانه ۴ ساعت فیلم در اختیار مردمش می گذارد و مستقیم از رادیو پخش می شود، می گفتند این دلیل بر استحکام شماست. آنها البته تذکراتی هم داشتند. باید بگویم که مجلس ما در دنیا زیر نگاه است و همه آن را ارزیابی می کنند. از زنده بودن مجلس ما خوششان آمده

بود و رویهم رفته ارزیابی ها مفید بود. آنها خواستار مبادله تجارب در این مورد بودند.» رئیس مجلس گفت:

«در مورد اصل انقلاب، علیرغم اینکه ماکاری نکردیم و خود را معرفی نکردیم، مسئولین این کشورها و مردمشان تحلیل های خوبی از انقلاب ما کرده بودند. البته رفتن ما و بازگردن نکات مهم برای آنها موثر بود، ولی خوشبختانه قضاوت آنها خوب بود. اینکه ملت ما توانست آمریکا و رژیم شاه را به این آسانی ازجا بکند، برای ملت عرب خیلی عجیب بود و حتی تصورش هم قابل قبول نبود. آنها شاه را خیلی ریشه دار می دانستند و تبلیغات هم موثر بوده است. آن پول ها، این ارتش، این پلیس، این ساواک، آن همکاری اسرائیل، آن همکاری آمریکا و سیا و انگلستان و ارتباطات با ارتجاع منطقه و این امید که ارتجاع منطقه به حمایت شاه بسته بود، تمام این ها پرایشان این فکر را بوجود آورده بود که این ها نرفتنی هستند، و کار ملت ما و رهبر ما برای آنها در حد معجزه است و با برخورد امتنان آمیز روپروست. ضمنا اثری که انقلاب ما در منطقه داشته بسیار مهم است. آنها بعد از اینکه مصر به اردوگاه امپریالیسم پیوست، داشتند ناامید می شدند و فکر می کردند دیگر اسرائیل در منطقه ماندنی است. ولی انقلاب ما باعث دلگرمی آنها شد. آنها معتقدند این پایگاه سرانجام باعث سرنگونی اسرائیل و صهیونیسم و پیروزی ملت های مسلمان و انقلابی منطقه خواهد شد. آنها دفاع از انقلاب اسلامی ایران را وظیفه خود می دانند. لبنانی ها که وضعیتشان برهه روشن است. روز عاشورا جمع شدند، پول برای آوارگان جنگ ما جمع کردند، حتی می گویند یک جبهه مخصوص برای لبنانی ها باز کنید. وقتی به آنها گفتیم: شما خودتان در حال جنگید. پاسخ دادند: اگر ایران نجات یابد، ما هم نجات خواهیم یافت. بنابراین برداشت از انقلاب ما به عنوان یک چیز نجات بخش و اسلامی بودنش به عنوان وظیفه آن برای مبارزه با صهیونیسم بین آنها وجود دارد و چیزهایی که مامی گفتیم برادران ما را در آنجا محکم تر می کرد.»

لولوی اردن!

رئیس مجلس سپس تأکید کرد که ادعاهای صدام در آنجا جا نیفتاده است و اردن برای آنها مثل لولوی است که حضور وی در جبهه ای باعث بی اعتباری آن جبهه می شود. وی افزود: «آنها این جنگ را جنگی امپریالیستی علیه ایران و تجاوز صدام به ایران می دانند و از اینکه می بینند هر روز تعدادی اسلحه ملل مسلمان هدر می رود، جدا عصبانی هستند و عراق را مقصر می دانند. وقتی من در جلسه ای در سوریه اسم صدام را آوردم صدای «لعنت خدا بر او» از همه سو برخاست.» حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی سپس، ضمن تشریح احساسات مردم کشورهای که از آنها بازدید کرده بود، گفت: «آنها از ما طلبکارند و می گویند این انقلاب مال همه ماست، و ضعفها و کاستی ها را بر ما نمی بخشند. آقای قذافی می گفت دست ما را به آسانی رد نکنید. ما هرچه داریم از آن شماست. در مورد جنگ هم، جنگ را آمریکایی و تجاوز صدام می دانند و این شعار را قبول دارند که، تا سقوط صدام باید جنگ ادامه پیدا کند. بعضی ها برای دلسوزی تلاش می کنند که جنگ متوقف شود، ولی معتقدند در آن صورت هم صدام سقوط خواهد کرد. بهر حال همه در مورد لزوم سقوط صدام متفق القولند. ضمنا از استحکام ایران خوشحالند و نگران بودند که مبادا ایران نتواند مقاومت کند و اینک با سواست اخبار جنگ را تعقیب می کنند.» رئیس مجلس آنگاه به احساسات مردم این کشورها و رهبران آنها نسبت به امام خمینی اشاره کرد و گفت: «آنها گفتند ما تاکنون کسی را ندیده ایم که به اندازه امام این همه قلوب را تسخیر کرده باشد. تبلیغات سوء هیچ تأثیری نگذاشته است و مردم اسم امام را که می آورند، گریه می کنند. البته این همراه انقلاب است و با آن تحلیل هایی که گفتیم، منتها وظیفه ما هم خیلی سنگین است. باید کار توضیحی بکنیم و در این رابطه امیدوارم ارتباط ما با دنیای خارج خصوصا با کشورهای مترقی عرب سریع تر برقرار شود.» پس از پایان سخنان رئیس مجلس، جلسه وارد دستور شد. در آغاز قسمتی از ماده دوم طرح اداره رادیو و تلویزیون مورد بررسی قرار گرفت و بقیه در صفحه ۸

نشیبی در راه...

بقیه از صفحه ۴
عمل آنها، بویژه لیبرالها، بر نتیجه نمانده و کار واگذاری اراضی مزدومی به دهقانان تبه‌دست متوقف شده است.

ارباب تملک نمایان،
درواقع امر، اگر نیک بنگریم، اراضی بزرگ - مالکی غارتگر غالباً مشمول بند می‌شود، که از جمله به اراضی غصبی، که با زور گرفته شده، نیز مربوط می‌شود.

دارند شکست می‌خورند و ناپاکانه در جبهه زمین مزدومی موضع گرفته‌اند، محکوم به شکست خواهند بود. نه امام خمینی و بیرون راستین او و پشتیبانان صدیق خط امام این اجازه را خواهند داد و نه خود دهقانان. این میلیونها انسان زحمتکش و نجیب‌دیده و حق‌ریز با دروغ حرف را خواهند زد. آنها انقلاب را بدرستی مال خود میدانند، همانطور که امام خمینی نیز آنرا گفته‌اند. هدفها راه انقلاب را این مردم تعیین میکنند، همانطور که در گفته‌های یادشده، امام خمینی نیز با وضوح تمام این راه و هدفها تصریح شده است.



تعداد بیسابقه پیکاران در انگلستان

پیکاری در انگلستان همچنان رو به افزایش است. آخرین آمار رسمی در لندن حاکی از آن است که شمار پیکاران در انگلیس در ماه نوامبر به دو میلیون و صد و شصت هزار تن رسیده است. این رقم پیکاران بعد از جنگ جهانی تاکنون در انگلستان بیسابقه بوده است.

لبنان هر صره تجاوزات ارتش فاشیستی اسرائیل

نیروهای ارتش صهیونیستی بار دیگر به خاک لبنان تجاوز کردند. به گزارش رسانه‌های گروهبی، ارتش اسرائیل چهار کیلومتر در خاک لبنان پیشروی کرده است. بر اثر این حمله نیروهای صلح سازمان ملل در جنوب لبنان بحال آماده‌باشی درآمده‌اند.

افزایش صادرات نفت اتحاد شوروی به کشور های شورای همپاری اقتصادی

دبیرخانه شورای همکاری اقتصادی اعلام کرد، در پنج‌سال آینده صادرات نفت از اتحاد شوروی به دیگر کشورهای عضو سی میلیون تن افزایش خواهد یافت. قرار است بیش از دو بیست میلیون تن نفت در این مدت به کشورهای عضو شوروی صادر شود. بهای نفت صادراتی اتحاد شوروی به این کشورها بیشتر از کشور های نفت در بازار جهانی است. در نتیجه کشورهای عضو شوروی میلیارد دلار صرفه‌جویی کرده‌اند. همچنین قرار است، صادرات گاز و مواد معدنی نیز به دیگر کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی افزایش یابد.

اعتصاب وسیع کارگران پست در آلمان فدرال

کارگران پست آلمان فدرال برای اضافه دستزد و شرایط بهتر کار دست به بزرگترین اعتصاب در تاریخ پست آلمان غربی زدند. دولت آلمان فدرال حاضر نشده است تا تضاهای بر-حق کارگران را بپذیرد. دولت آلمان فدرال اعلام کرده است برای «تعداد» بودجه تصد دارد در سال آینده بودجه آموزشی و دانشگاهی به‌شدت را کاهش داده و بودجه کمک به بیکاران را نیز کاهش داده. در حالی‌است که گفته می‌شود آلمان فدرال سال آینده بیش از یک میلیون و صد هزار نفر بیکار خواهد داشت.

اعتراض گسترده دانش آموزان و دانشجویان کرانه غربی رود اردن به جنایات اسرائیل

در پی حمله وحشیانه ماموران مسلح صهیونیستی به دانشجویان دانشگاه بئریت در کرانه غربی رود اردن موسسات آموزشی سرزمینهای اشغالی همچنان متشنج است. گزارشهای رسیده نشان می‌دهد که در بسیاری از این موسسات، دانش‌آموزان و دانش‌جویان برای برپائی تظاهرات گسترده به جنایات ماموران رژیم تل‌آویو اعتراض می‌کنند و حمایت خود را از سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام می‌دارند. جنایتکاران صهیونیستی تسل-کون بارها تظاهرات دانشجویان و دانش‌آموزان را به گلوله

مستقیماً جنگ‌زده و یا در معرض تاخت و تاز خوانین ضدانقلابی را - فلا - مساعد برای کار ندانست، و رگنه هم‌جای ایران باید سرای هیئت های ۲ نفری و عمل عمیقاً انقلابی و تریخ‌خواهانه آنها باشد. کدام ناحیه است که املاک وسیع اربابان با تعلق و سندسازای و تصرف بزور بدست نیامده باشد؟ کدام منطقه است که در واقع غالب املاک بزرگ‌مالکی را نتوان مشمول بند ب دانست و در نتیجه نتوان قانون را در آن اجرا کرده؟ کدام منطقه است که از نظر حمایت از مستضعفین و تقویت پشت جبهه و سر به زدن به پایگاه طاغوتی امپریالیستی برای فعالیت این هیئت‌ها مساعد نباشد؟

بازهم ببینیم امام خمینی در این زمینه دوسال و نیم قبل، چه گفته‌اند و چه وظیفه‌های در برابر مسئولان امور و مجریان قانون قرار دارد. امام خمینی می‌گوید: «درست همین مالکانند که در طول سالها درآمدهای را بر هم انباشته بودند بی‌آنکه مقررات اسلام را در خصوص توزیع آنها اجرا نمایند و بدین ترتیب ثروتی را که حق جامعه بوده و باید بجامه برسد، نزد خود نگاه‌داشته و برخلاف قوانین اسلام فروتند شده‌اند، ضبط خواهیم کرد و بر اساس حق و انصاف میان محتاجان مجدداً توزیع خواهیم کرده.

اگر اکنون اجرای این رهنمودهای عمیقاً انقلابی، موقتاً دچار تأخیر در راه شده و اجرای بند چ معوق مانده، بنظر ما، علنی جز تشدید فشارهای همه‌جانبه، بویژه از طرف لیبرالها و روحانی‌نمایان ندارد، و این مسأله باعث تأسف‌همه انقلابیون صدیق وهمه هواداران تحکیم جمهوری اسلامی ایران است.

در جلسه علنی مجلس

بقیه از صفحه ۷
پیشنهادهای مختلف نمایندگان در مورد چگونگی یا انتخاب نماینده قوه مجریه مطرح شد. بحث بیشتر در مورد این ماده به جلسه بعد موکول شد. سپس لایحه دوفوریتی مربوط به پرداخت دستزد کارکنان طرح‌های عمرانی در مناطق جنگی مطرح شد. در این مورد چند موافق و مخالف سخن گفتند و از جمله تأکید شد که بر اساس ترتیب پیش‌بینی شده در لایحه مذکور، بسیاری از افراد مقیم مناطق جنگی قادر به دریافت

پذیرفته‌اند. آنان یا آموزش - نظامی به جبهه شتافته‌اند و سلاح برکت، دوش بدوش برادران هم‌رز خود، علیه مزدوران بعث عراق می‌زنند و از ایشان جان خویش دریغ نمی‌کنند، و در پشت جبهه به تدارکات جبهه کمک می‌رسانند؛ زنان و دختران کارگر، به پیروی از توصیه امام خمینی، در افزایش تولید و برینیزی از واردات کشورهای امپریالیستی کوشا هستند، زنان دهقان در بالابردن تولیدات کشاورزی و رساندن کشور بمرز خودکفائی تلاش می‌ورزند، زنان مناطق جنگ‌زده که ارتش بعث

نزدیک شدند و در یک ستیز روبروی با دشمن با استفاده از سلاحهای سبک تلفاتی به مزدوران عراقی وارد ساختند. گزارش خبرنگاران حاکمیت که بر اثر رشادت کم‌نظیر سربازان دلوار ما، یک خودروی نیروهای مزدور بعثی با تمام نفرات و نیز یک دستگاه لوادر دشمن بکلی منهدم شد.

پیروزی باد

بقیه از صفحه ۴
نماند و کوشید تا با ابتکارهای گوناگون و تلاش مداوم، مدار جنگ را بردوش زنان و کودکان ویتنامی سبکتر سازد و هم امپریالیسم ددمنش آمریکا و عملکردهای تبه‌کارانه آنرا علیه خلق استقلالطلب ویتنام بسد. جهانیان نشان دهند.

تفکیلات دموکراتیک زنان ایران در سال ۱۳۲۵ و سازمان زنان ایران در سال ۱۳۳۰ به عضویت فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان درآمدند. این دوسازمان در رهبری مبارزات زنان ایران برای حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تأمین آزادی سیاسی دموکراتیک، علیه ارتجاع و امپریالیسم، و بغض صلح جهانی، از رهنمودهای کمیته فدراسیون بهره جستند. مبارزات زنان در دوران سلطه استبداد و نبرد دلارانه آنان در جریان انقلاب همواره مورد پشتیبانی و تحسین فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان قرار گرفته است.

اکنون که انقلاب ایران شرایط دشواری از حیات خود را می‌گذراند، زنان و دختران ایران با شرکت فعال در جبهه و پشت جبهه و با ارائه مستحضرهای ارزنده از ایشان و فداکاری، بار سنگین جنگ را داروطلبانه

دلاور ما بلافاصله آنها را زیر آتش قرار داد که در نتیجه آن ۴ دستگاه تانک دشمن منهدم شد. یک تانک از کار افتاد و ۴ تانک دیگر از خط آتش گریخت. صبح پریروز یک گروه از فدائیان اسلام و اعضای بسیج و افراد سپاه پاسداران و سایر نیروهای رزمنده مردمی، در حالی که از پشتیبانی آتش توپخانه دلاوران ارتش جمهوری اسلامی ایران برخوردار بودند، به‌فاصله ۴۰۰ متری سنگرهای متجاوزان

نیروهای رزمنده...

بقیه از صفحه ۱
عملیات هیچگونه شید و سیا مجروح نداشته‌اند.
فرد شدیدی در جبهه آبادان
نبرد بسیار شدیدی پریروز میان مدافعان انقلاب اسلامی و متجاوزان عراقی در جبهه‌های آبادان جریان داشت و طرفین به میانه آتش توپخانه پرداختند و زرمندگان اسلام با برخورداری از روحیه عالی، پریروز لیسز

Table with 2 columns: Country, Price. Includes West-Germany (0.80 DM), France (2 Fr.), Austria (8 Sch.), England (20 P.), Belgium (10 Fr.), Italy (350 L.), U.S.A. (40 Cts), Sweden (1.50 Skr).

خواندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۱۴ پستی تهران

نامه هفتم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارتله امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
غیایان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دشتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)
NAMEH MARDOM
No. 383
1 December 1980
Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.